

# فروپاشی نوهم

جریانات اخیر، علی‌الخصوص کشتار توده‌های کرد، انقلاب فرهنگی بر علیه دانشجویان انقلابی، سانسور مطبوعات رادیو و تلویزیون، فشارهای متعدد دیگر از قبیل جلوگیری از فروش شریات، وضع قانون دستگیری فروشندهگان، و اعدام انقلابیون و کارگران مبارزه در شهرهای مختلف یکی پس از دیگری، مسائل مختلفی را برای توده‌ها طرح کرده است.

لشکرکشی وحشیانه ارتش و پاسبانان به کردستان و معلوم شدن اینکه در حقیقت نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در آنجا زحمتکشان و زنان و فرزندان را به بیرحمانه‌ترین شکل به خاک و خون کشیده اند و ادامه این جنایت قهرمانانه در زیر سوخت تری بین حملات قوای دولتی تدوین و اجرا می‌گردد. فکر را که ارتش و پاسبانان در کردستان بر ضد خلق مبارزه میکنند و مردم را کشتار میکنند ایندها نیت میبخشد. مردم در تجربه روزمره غمخورد میبینند که چگونه پاسبانان را کوچکترین اعتراض توده‌ها را برای آب، برق، یا خانه، با گلوله و سرنیزه پاسخ میدهند. این اقدامات حکومت بود توده‌ها ماهیت حکومت و ارگانهایش را برآنان واضح میگردانند. کمتر جایی بوده است که زحمتکشان دست به مبارزه زده‌ها شدند و خود را مواجده با این ارگانها نیافته باشند. اخبار سیاسی مربوط به اقدامات رژیم در نواحی مختلف پس از گذشت زمانی چند نتایج یافته است و توده‌ها بطور نسبی به تردید نسبت به این اقدامات گرایش یافته‌اند.

علاوه بر این بحران اقتصادی، تورم، بیکاری، گزافی روز افزون کارگران و زحمتکشان را در برابرنا بین ما - یحناج اولیه خود نیز مستأمل کرده است. بقیه در صفحه ۲

((کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند. کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.))  
(ولادیمیر ایلیچ لنین)

# رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۱۶ دوشنبه ۲۶ خرداد ۵۹ - باصمعه ۳۰ ریال

# ضربه‌ای بر پیکر روبرو نویسم نگاهی به تحولات اخیر درون سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

تلاشهای فرصت طلبانه رهبری و تمایل پایه‌های صدیق آن اجتناب ناپذیر است. و بهتر بگوئیم همان فرصت طلبی از بالا و صداقت از پایین است که مسئله را اجتناب ناپذیر کرده است. "س.ج." بعنوان یکی از بزرگترین سازمانهای انقلابی در جامعه ما سازمانی که خود را وابسته به طبقه کارگر و ایدئولوژی آن مارکسیسم لنینیسم میدانند، بقیه در صفحه ۵

تحولاتی که اخیراً در درون "سازمان چریکهای فدایی خلق ایران" بوقوع پیوسته است برای جنبش کمونیستی غیرمنتظره نبود، مدت‌هاست که "س.ج." آستان چیزی است که تولد آن علی‌رغم

اظهاراتی از این قبیل که فلان گروه و بهمان سیاست خلقی است یا ضد خلقی، چنان بوسعت درگفته‌ها و نوشته‌های م.ل. رواج دارد، که برای هر کسی که از خارج به ادبیات م.ل. ایران بنگرد، بنظر خواهد رسید که مفاهیم خلق و ضد خلق و خلقی و ضد خلقی از جمله بدیهیات ادبیات م.ل. ایران میباشد، و واضح تر و ملموس تر از آن‌ها دیگر نمیتوان سراغ کرد. اما واقع قضیه اینکه مفاهیم خلق و ضد خلق از جمله پرابهام ترین مفاهیم رایج در ادبیات م.ل. ایران است البته ابهام و سردرگمی در قبیل کاربرد این مفاهیم تنها در بین برخی از م.ل. های ایران رایج بوده، و خاص آن‌هاست، نه خود م.ل. حال مسئله‌یی که پیش روی ما قرار دارد، اینست که ابهام مزبور ناشی از چیست، و عامل آن کدامست؟ مقدمتاً باید گفت که ابهام و سردرگمی برخی از م.ل. ها پیرامون مفاهیم خلق و ضد خلقی ناشی از

بقیه در صفحه ۳

# خلق و ضد خلق اسطربلاب سیاسی پیکار و...

در پیکر رزمندگان می‌خوانید:

- بیانیه مشترك "حزب دمکرات و سازمان چریکها" و مساله صلح در کردستان.
- ۲۳ خرداد ۳۸: زمینه ساز قیام ۱۵ خرداد.
- نگاهی به "مردم و مجاهدین"
- قصه برای بزرگسالان! و...

# کردستان و نیروهای سیاسی آن

از آن زمان که توده‌های انقلابی خلق کرد رهبری سازمانهای سیاسی خود، آگاهانه کنترل اوضاع زندگی خود و بخصوص وضعیت سیاسی منطقه نمودند، تضاد میان خلق کرد و جمهوری اسلامی ایران به شکلی کاملاً قهراً میز در آمد. بقیه در صفحه ۱۰

# کارگران جهان متحد شوید!

بنیاد از چند

مدتهاست که با نهاد عمیقی در درون خود مواجه شده است. از یکسومش غالب بر آن، همه اینکار رهبری آن هر چه بیشتر به سمت سازش طبقاتی و دست شستن از مبارزات انقلابی میل نموده است، و از سوی دیگر واقعیت مبارزه طبقاتی جاری، و ضروریات پاسخگویی بر آن ذهن بسیاری از اعضا و هواداران سازمان را بخود مشغول نموده و عملاً بدنیهال خود کشتاده است.

فقر ناشی از بیکاری و درآمد ناخیز، همه و همه پیش از یکسال و چند ماه که از ایجاد جمهوری اسلامی میگذرد، انتظار آنکه، هیا حاکمه بتوانند به مسائل و خواسته های توده ها پاسخ دهد را تنها انتظار بیهوده و بیثمر تبدیل میکنند. کوشش هیات حاکمه برای برآوردن آرزوی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و تلاش در راه بازگرداندن نظم مطلوب برای حرکت سرمایه، در مقابل مبارزه توده های زحمتکش در راه رهایی از قیود این سیستم قرار گرفته است. هیا حاکمه در طی یکسال و چند ماه اخیر نه تنها باری از روی دوش توده ها برنداشته، بلکه عملاً به درگیری متقابل با آنها جهت حفظ تها و قواستین ظالمانه سرمایه داری پرداخته و هر چه بیشتر به کارگران و زحمتکشان فشار وارد میکند.

"فقر، تورم، بیکاری، گرانی و ... به همراه "سانسور، اختلاس، قشتار، سرکوب جنینش توده ای" دو مشخصه اصلی اوضاع کنونی اند. هیات حاکمه علناً اظهار داشته است که: بحران اقتصادی موجود را تا مدت نامشخص غیر قابل حل میدانند. و در عین حال هرگونه مبارزه را جهت ناسودی سیستمی که این بحران مولود وجود آنست سرکوب میکند. سوای جنگ بر علیه خلق کرد، و یورش فاشیستی به دانشگاهها اینک بر ملا شده و به عاملی علیه خود حکومت تبدیل میگردد. این بحران اقتصادی و سیاسی در سطح جامعه، به همراه تضاد حادی که هر روز ابعاد آن آشکارتر میشود، توهم توده ها را نسبت به هیات حاکمه و پیوستگی بی قید و شرط به آن را شکاف داده و فرو میپاشد.

اینک برای توده ها بخوبی معلوم میشود که مبارزات درون حکومت نه منافع خلق، نه بخاطر نایبودی سیستم موجود که بر سر قدرت کمترین است میباشند. تضاد درون هیات حاکمه چه بواسطه جنینش توده ای و مبارزه طبقاتی موجود جامعه و چه بخاطر ترکیب

بورژوا - خرده بورژوازی اش، پس از پایان کار مجلس و استقرار قانونی جمهوری اسلامی و تلاش بر سر تعین تأمین و تخت وزیر، تشدید شده و در برابر چشم توده ها خود را به بدترین شکل ممکنه نمایش میگذارد. جناحهای هیات حاکمه یکدیگر را افشاء میکنند و دست یکدیگر را در اقدامات ضد خلقی یکدیگر رو میکنند. توده ها میبینند که جمهوری اسلامی که قرار بوده خواسته های آنان پاسخ دهد هر چه جلومیسرود بیشتر در بحران اعتمادی - سیاسی و ناتوانی در حل مشکلات توده ها غرق میگردد. و آنچه در گریز تضادهای درونی خود بر سر قدرت است که این خواسته ها یا سخی جز سرکوب، یعنی نقطه مهمی از وحدت هیات حاکمه نیافته است.

اگر نفرت عمیق توده ها تا چندین پیش نسبت به بورژوازی لیبرالها آنها را بسمت خرده بورژوازی حاکم و حمایت از آن سوق میداد، اینک این حمایت نیز، با توجه به پرا تیک کل هیات حاکمه با توجه به بحران اقتصادی سیاسی موجود، تدریجاً از این جناح سلب میشود. گسترش جنینش انقلابی، ادامه بحران و نقش مشترک کل هیات حاکمه در حفظ اوضاع موجب کاهش اعتماد و تمایل توده ها به جناح خرده بورژوازی حاکم نیز گردیده است. توده ها که هیات حاکمه را جمیعاً در مقابل خود مییابند، اعتماد خود را به کل آن از دست میدهند و بیگانگی واقعی میان حکومت و توده ها به بیگانگی عینی تبدیل میشود. هیات حاکمه در روز رسمی ۱۵ خرداد، نتوانست جمعیت قابل توجهی نسبت به آنچه در تظاهرات دیگر بسیج میکرد، جمع نماید. چنین است که آیت الله خمینی میگوید: "آزآینده بیمنتناک است. اما اگر اولاد لیل ترس از آینده رادرتضا های درون بلوک سیاسی حاکم میبینند ما باید بگوئیم که این بیم، بیم حقیقی از رشد مبارزه توده ها و فروپاشی توهم توده ها است!

از همه واقعیاتی که هر روز با آن مواجه میگردیم میبینیم که پیوستگی توده ها نسبت به حکومت رو به اضلال و تضعیف است. بموازات این آگاهی مردم مبنی بر اینکه: این حکومت هر قدر برای سرکوب و کشتار و تهدید آماده است، برای حل واقعی مسائل مردم، بیرون آوردن آن از وضعیت

از همه واقعیاتی که هر روز با آن مواجه میگردیم میبینیم که پیوستگی توده ها نسبت به حکومت رو به اضلال و تضعیف است. بموازات این آگاهی مردم مبنی بر اینکه: این حکومت هر قدر برای سرکوب و کشتار و تهدید آماده است، برای حل واقعی مسائل مردم، بیرون آوردن آن از وضعیت

و خیم کنونی، اصلاً ناتوان و ضعیف است و نه میخواهد و نه میتواند ... بموازات پیدایش این سئوالات در ذهن مردم، ما میبینیم که تبلیغات متفاوت و متضاد دنیا حاکمیت سیاسی کنونی در میان مردم شایعه مییابد. بسیاری از مردم ضمن مقایسه وضع موجود با گذشته، با خود میگویند: آیا گذشته لااقل از این نظر که کار داشتیم و به فقر و بدبختی کنونی ... دچار نبودیم بهتر نبود؟ آنها اگر چه به نقش حکومت سابق در غارت و چپاول مردم و خدمت به امپریالیسم پی برده اند، اما از آنجا که هنوز بطور همه جانبه سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را نمی شناسند، ناچار تنها چنین عواملی را در نظر میگیرند لیبرالها از این روحیه، از اعتراض به هیات حاکمه و وجود جوی اعتمادی رو به افزایش کوشش میکنند به سود خود بهره ببرند. آنها مرتباً داد میزند: "مرگ بر تعدد میرا کز قدرت آژنده با دشمن جمهوری! این گروهگانه ها مانع سروسامان یافتن اوضاع است" (با یاد آنها را پس داد مدتی) ... بورژوازی میکوشد تا ذهن رو به گسست توده ها از حکومت را به ذهن گسسته از خرده بورژوازی حاکم تبدیل کند و در عوض خود را ناجی جامعه جلوه دهد!

در کنار این کوشش بورژوازی لیبرال، ادامه اعتراضات و موج ناراضیاتی از تورم، بیکاری، فقر و بی خانمانی و غیره ... در کنار انواع فشارهای سیاسی و سانسور عقاید در جامعه ... به سوا و اکیهاس و تبلیغین سلطنت و بختیاری ... زمینه ای داده است که در متن آن به تطهیر گذشته بپردازند، و او نمود کنند که گویا در زمان شاه خائن وضع بهتری حاکم بوده. اولاً، تا این حد بدبختی و سرگردانی وجود نداشت! و یا اینکه بختیار، تنها کسی است که میتواند ایران را نجات دهد. بختیار در فرانسه دولت موقت تشکیل داده و تزیه را بعنوان نخستوزیر انتخاب کرده است. او آنقدر جرات در رابطه با اوضاع داخلی پیدا کرده که میگوید: هر کس از نمایندگان به مجلس برود در آینده آنها را اعدام خواهیم کرد! البته پرواضح است که افرادی از قبیل بختیار برای توده ها رسواتر از آنست که مستقیماً کاری از پیش ببرند. اما آنچه که آنها از طریق عوامل واردیو - هایشان ا شاعه میدهند (که بنا بر آمار شونندگان زیادی هم دارد) بنسود بورژوازی و ایجاد روحیه دل سردی و بی تفاوتی نسبت به آنچه که از آینس

پس خواهد آمد است. آنها به توده ها میگویند: یکبار قیام کردیم! بنظر شد! دیگر دم به تله نمیدهیم! و بدین ترتیب هرا انقلاب و تحولی را در ذهن مردم "تله" جلوه میدهند. آنها از روحیه اعتراضی توده ها برای تقدیس گذشته و تطهیر دوران دیکتاتوری سرمایه سلطنت بهره میجویند، تا آینده مورد نظر خود را بهتر جلوه دهند. نکته اصلی اینجا ست که غلی ر غم گرایش و سمت گیری بخشی از توده ها بسمت انقلابیون، به جای این سیر فویشی توهم توده ها، توهمی که مبارزه طبقاتی را انجام در متن بحران جاری و تضاد های کوچک و بزرگ بلوک سیاسی حاکم آنرا فرو میپاشد، به جای این توهم آیده و فکرا انقلابی بطور وسیع و همه جانبه جا یگزین نگردیده است.

و این در حالتیست که جنبش انقلابی رو به اعتلا می رود. این کاملاً اهمیت دارد که ما بخاطر سمت دهی صحیح به مبارزات توده ها در آینده و مبارزه با روحیه هر چند محدود و موقت انفعال سیاسی، جلوتوسعه افکار ارتجاعی را از یکسو بگیریم و از دیگر سو آیده ها و نظرات انقلابی خود را پیرامون راه رهایی از این وضعیت، راه آزادی واقعی ارائه دهیم.

در قبال وضعیت فعلی روحیه توده ها، با بدنه آن داد که بحران موجود و استمرار آن نتیجه ابقاء سیستم سابق و حفظ آن توسط هیات حاکمه جدید است. ما باید ضمن نشان دادن ماهیت هیات حاکمه به توده ها، در تبلیغات آموزش توده ای خود تنها به جنبه سلبی و یک توضیح کلی اکتفا نکنیم هر گاه تبلیغ ما تنها به جنبه های منفی این حکومت اشاره کند و ما ساریده های انقلابی خود را علاوه بر فشارها در توضیحات مشخص پیرامون این آیده ها وسیع اراج ندهیم، آنگاه چنین تبلیغی نمیتواند مورد بهره برداری لیبرالها و مرتجعین بازمانده از ایام شاه قرار گیرد. ما باید علاوه بر حال و گذشته را یک و سیاهی که زندگی توده ها را به تباهی و بدبختی کشتانده است، آینده روشن، آینده ای را که در آن توده ها حاکم باشند و اشکال آنرا تا جاشیکه ممکن است، ترسیم کنیم و به کار خود جنبه ایجابی قوی بدهیم.

باید به توده ها نشان دهیم که پس از هر تحول اجتماعی البته مشکلات بسیاری وجود خواهد داشت اما طبیعت مشکلاتی که امروز خلق ایران با آنها دست و پنجه نرم میکنند در تحول اجتماعی و قیام و جنبش انقلابی ۵۶-۷ بقیه در صفحه ۷

تبدیل از صفحه ۱

# خلق و ضد خلق

تناقضی است که از کار بست این مفاهیم در اوضاع سیاسی پس از قیام بوجود آمد. پیش از قیام تشکل های م. ل. بهیچوجه بیادندارتد که در برخورد به مفاهیم خلق و ضد خلق تناقض سردرگمی وجود داشته، و این امر به مشکلی عمومی - البته در خط ۳ - تبدیل شده باشد. بدقت میتوان گفت که ابهام مزبور جنبه زمانی مشخص دارد، و بنظر میرسد که ریشه آن در تغییر و تحولات ناشی از قیام باشد.

گذشته از جنبه تاریخی قضیه، ابهام مزبور محصول تناقض بین واقعیت سیاسی جا معنی یعنی تغییر و تحولات ناشی از انقلاب، با قالب و ظرف برخی ازم. ل. ها در بررسی مسائل جا معی و انقلاب است که یکی از قسمت های آن همین مفاهیم خلق و ضد خلق میباشد.

در نتیجه جنبش انقلابی ۵۷ در پی سازش رهبری جنبش انقلابی با امپریالیسم، خرده بورژوازی سنتی مرفه و بورژوازی لیبرال با تشکیل یک بلوک سیاسی سکان قدرت را در دست گرفتند. اینان بدینسان کینه زدن بر اریکه قدرت از همان آغاز در دروایی ادامه انقلاب ایستادند و در تدریج کمربند کشتار و سرکوب وسیع توده ها و نیروهای انقلابی بستند، و در معرض چند ماه حکومت خود، حتی در مواردی از نظر سرکوب و کشتار خلق انقلابی بر رژیم شاه پیشی گرفتند. اینان گرچه به سرکوب بورژوازی بزرگ و انحصاری پرداختند، اما نهادها و روابط خاص سرمایه داری وابسته را حفظ نموده، وعهده داری را بر امان گذاشتند. پاسداری بنیادین بلوک سیاسی حاکم از نظام سرمایه داری وابسته و حرکت در جهت سازش با امپریالیسم - هر چند که تضادهایی نیز با آن داشته، و با سلطه سیاسی و اعاده همان امتیازات و غارتگریهای امپریالیسم مخالف بودند - و بیویژه سرکوب وسیع و خشن انقلاب و قتل عام توده ها و نیروهای انقلابی، بوضوح آشکارا ترا در دروئی مفسوف خلق قرار داد.

بدین ترتیب هیات حاکمه متشکل از خرده بورژوازی سنتی مرفه و بورژوازی لیبرال بعنوان سرکوب کننده نیروهای انقلابی و مفسوف خلق، در موضع ضد انقلاب و ایضا ضد خلق قرار گرفت.

ادامه حضور نمایندگان سیاسی خرده بورژوازی سنتی مرفه در حاکمیت و حتی در موضع هژمونی، و نیز ادامه بروز سیاستهای خاص خرده بورژوازی در عملکرد هیات حاکمه، و از جمله گرایشها و اعمال ضد امپریالیستی بخشی از هیات حاکمه بخوبی دال بر آن بود که هیات حاکمه ایران یک بلوک سیاسی است که متشکل از بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی سنتی مرفه میباشد.

و در اینجا است که ابهام و تناقض مورد نظر قدم به عرصه میگذازند؛ از یک طرف، واقعیت سیاسی جا معی نشان دهنده آنست که هیات حاکمه و نیز خرده بورژوازی بعنوان یک پای مهم آن تبدیل به نیرویی ضد انقلابی شده، و در موضع مقابل خلق قرار گرفته است، از جانب دیگر، قالب و طرف برخی ازم. ل. ها در بررسی مسائل جا معی و انقلاب مشعر بر آنست که خرده بورژوازی در مجموع نیرویی انقلابی و در زمره خلق میباشد، و تا انقلاب دمکراتیک خلق بر رهبری پرولتاریا جا معی تحقق نپوشد، این حکم بی چون و چرا خواهد بود.

بنابرین بردرک متعارف از "انقلاب دمکراتیک" که در نزد اغلب م. ل. های ما وجود دارد، در مرحله انقلاب دمکراتیک، خرده بورژوازی در مجموع نیرویی انقلابی و در زمره خلق محسوب میشود، چنانکه در اطلاعیه مهرماه بخش م. ل. سازمان مجاهدین خلق، در این باب نوشته شده است که:

"در این انقلاب، پرولتاریا عمده ترین نیروی انقلاب و پرولتاریا، دهقانان و خرده بورژوازی نیروی محرکه انقلاب را تشکیل میدهند." (۱)

این نظر، حتی پس از قیام بقوت خود - گرچه بصورتی جدید - در مواضع بیکار وجود دارد. چنانکه در بیکار ۳۳ میخوانیم:

"این گرایش شبه ترولتسکیستی اصولا بانفی انقلاب دمکراتیک، بانفی لزوم اتحاد بین پرولتاریا و دیگر متحدینش یعنی دهقانان و خرده بورژوازی در انقلاب دمکراتیک... در واقع بهمان نتایجی میرسد که رو - بزبونیستها میرسد" (تاکید زماست)

اگر "بیکار" پس از قیام بصورتی جدید خرده بورژوازی بمثابه متحد پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک و بعنوان یکی از نیروهای محرک آن برخورد میکند، بدین معنا که آنرا نیرویی ضد انقلاب میدانند که در موضع مخالف خلق یا "ضد خلق" قرار ندارد، اما "راه کارگر" کما - کان خرده بورژوازی را اعم از بخش سنتی مرفه یا غیر آن را نیرویی انقلابی و در صف خلق بحساب میآورد. البته با توجه به اینکه "راه کارگر" خرده بورژوازی را از فردای قیام و بمحض قرار گرفتن در قدرت دیگر خرده بورژوازی ارزیابی نمیکند.

اگر درک متعارف از "انقلاب دمکراتیک" اشعار میداد که خرده بورژوازی در مجموع نیرویی است که در صف خلق و در جهت حرکت نکات ملی و انقلابی جا معی قرار دارد، در مقابل واقعیت نشانگر آنست که بدون پیروزی انقلاب دمکراتیک بر رهبری طبقه کارگر، بخشی از خرده بورژوازی در موضع حاکمیت نظام سرمایه داری وابسته و سرکوب و کشتار توده های انقلابی قرار گرفته است. بدین معنا که درک متعارف از انقلاب دمکراتیک حکم میکند که خرده بورژوازی سنتی مرفه کماکان در صف خلق قرار دارد، و تبعاً در مسیر انقلاب دمکراتیک همدوش پرولتاریا میباشد، لیکن واقعیت اوضاع نه تنها حکم میکند، بلکه آشکارا نشان میدهد که خرده بورژوازی سنتی مرفه در موضع وحدت با پرولتاریا و توده های انقلابی که نیست هیچ، حتی به سرکوب و کشتار آنها با ظر حفظ نظام حاکم مشغول است. تئوروی حکم میکند که خرده بورژوازی سنتی مرفه در صف خلق با شما واقعیت عکس آنرا نشان میدهد، براساسی اشکال در کجاست؟ وجه چیز این تناقض را توضیح میدهد؟ آیا طرح "انقلاب دمکراتیک" در جا معی سرمایه داری وابسته از بیخ غلط است یا اینکه واقعیت مبارزه طبقاتی جا معی بنحونان درستی ارزیابی شده است؟ خیر! از نظر ما مسئله مربوط به هیچ یک از این دو جنبه نیست، بلکه تناقض مزبور ناشی از درک الگویی و دکماتیک بعضی ازم. ل. های ما از مسائل جا معی و انقلاب و نیروهای شرکت کننده در انقلاب است. ایشان کاری به واقعیت مبارزه طبقاتی و تغییر و تحولات آن نداشته و در مقابل اوضاع و احوال متفاوت با همان "تخت پروکوست" (۲) خود در باره مسائل جا معی و انقلاب ظاهراً همیشوند. تخت پروکوست آنها حکم میکند که خرده بورژوازی شما در صف خلق قرار دارد، مبارزه طبقاتی جا معی و اوضاع و احوال آن، دیگر با جدحاب خودش را بکند! اگر دینا - میک مبارزه طبقاتی وضعیتی بوجود آورد، که خدای نکرده! خرده بورژوازی نه در کنار خلق و بلکه در مقابل آن قرار گرفت، ما حیات تخت مزبور برآشفته و موش گشته، و خواهی گفت که با یدسرتها این مبارزه طبقاتی گستاخ! از آنکه چسارت کرده اند از "تخت پروکوست" نباشد، قطع کرد. ناگفته نماند که در اینجا روی سخن ما با آن دسته از کمسرتستان "تخت پروکوست" که تناقضی بین واقعیت و تئوری مشاهده نکرده، و بارضا مندی دست بهم میسازند که خوب دیگر، حکومت خصلت خلقی هم یافت، کاری نداریم. این گروه که بسیار گونه گون و وسیع الطیف هم میباشد، از حزب توده خاش و ضد انقلابی و حزب رنجبران ضد انقلابی تا جریانهای انقلابی نظیر سازمان چریکهای فدایی خلق و اتحادیه کمونیستها همه در این طیف قرار دارند. جملگی بر این اعتقادند که با ورود خرده بورژوازی در حکومت قدرت حاکم بر کشور کلا یا بعضاً خصلت خلقی یافته است، و تا کنون دیگری در قبال آن بایددر پیش گرفت. و بدین ترتیب، خود را از شر تناقضاتی که گر -

# نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم!



فشار دیگران است، بخوبی خلاص می‌کنند، البته به بهای مدارا و ممانعت در مقابل حکومت سرمایه داری وابسته. اگر این گروه بدینوسیله که واقعیت را نسبتاً و تا حدودی منطبق با تخت پروکوست خود ارزیابی نمودند، یعنی آنکه برای حکومت بدلیل شرکت خرده بورژوازی در آن خملت خلقی قائل شدند. از چنگال تناقض‌رهای بی یافتند. باز بهیسی از م. ل. های ما که نمی‌خواستند در چنین انحطاط سیاسی و راست روی بشوند، که بدلیل خلقی بودن بخشی از حکومت! به حمایت از آن بطور گهگاه هبیردازند. "تخت پروکوست" خود را بطریق دیگری حفظ کردند. و آن چنین بود که حضور خرده بورژوازی را در حاکمیت بکلی انکسار مینمودند. یعنی آنکه بانفی واقعیت، تشروری خود را از گزند تناقض با واقعیت در امان نگاهداشتند. اینان با ساتور "کاست" سروتسه واقعیت را زدند. و توانستند آنرا انداز تخت خود در آورند. و در نتیجه خود را از مصیبت توضیح رابطه حضور خرده بورژوازی در حکومت موجود با مسئله خلقی بودن خرده بورژوازی در انقلاب دمکراتیک، نجات دادند. اینان نباید در دست گرفتن "کاست" گرچه خود را از شرتناقضات رها نیندند، ولی بهای بدست گرفتن "کاست" آن شد که دیگر بجای تمییز طبقه‌ای مسائل سیاسی جامعه و بخصوص قدرت و نیز بجای استفاده از مقولات و مفاهیم صریح طبقه‌ای، پیوسته مفاهیم مبهم و غیر طبقه‌ای نظیر "بالاشیها"، "پاشینیها"، "حکومت گران" و غیره را گرازا و گسارا بخوی نامتعارف و ملال آوریکا ریبیرندوا آنها را جایگزین واژه‌های صریح طبقه‌ای نمایند.

اینها هم سردرگمی مورد نظر نه در نزد اینان که بر شمرده‌ایم، بلکه در جایی پدید آمد که حضور خرده بورژوازی را - بخش سنتی مرفه آنرا - در حکومت میپذیرفت، و در عین حال حکومت را هم ضد خلقی (۳) ارزیابی مینمود. این نظرات این خدمت‌رسانان تعدادی از جریانیهای خط ۳ نظیر "پیکار" و "رزمندگان" بود. اما در حدی بالاتر است که هم ابهام مورد نظر و اختلاف خود نمایی میکند "رزمندگان" خرده بورژوازی سنتی مرفه را که در حاکمیت حضور دارد. ضد انقلابی و ضد خلقی ارزیابی میکند و تبعاً آنرا از صف خلق و نیروهای انقلابی خارج میکند، و چون در بند الگوی "انقلاب دمکراتیک" متعارف "که خرده بورژوازی را در مجموع خلق میدانند نمی‌باشد، گرفتار تناقض نمیشود. اما "پیکار" کسه دلبستگی زیادی به الگوی مزبور دارد. و ایضا سایر تشکل‌هایی که سخت به این الگو - شاید شدید تر از پیکار - پای بند هستند در جاه

تناقض سقوط میکنند. در این نوشته، روی سخن ما با "پیکار" و کسانی است که در برخورد - دشان با خلقی، انقلابی یا ضد انقلابی و... بودن خرده بورژوازی ما را بیاد اطرلاب میاندازد. آنها تناقض و ابهام ناشی از تصادم متدلوژی برسی شان با واقعیت سیاسی جامعه را بکمک ریزوراز میپوشانند و هواداران خود را در برابر ریزوراز اطرلاب گنج میبوهت میسازند. ولی ما گفتار خود را بر روی پیکار متمرکز میکنیم زیرا این "پیکار" است که نظرات خود را در این مورد تا حدودی بصورت فرموله عرضه نموده است. و از آنجا که نوع برخورد پیکار به مفاهیم مزبور، نزد دیگران، از جمله "وحدت انقلابی" نیز موجود است قضاوت ما شامل حال آن جریان نیز خواهد شد (۳)

داستان جالب فرار "پیکار" از جاه تناقض مزبور توضیح دهنده علل ابهام سردرگمی در قبال مفاهیم خلق و ضد خلق است. البته "پیکار" براحتمی میتواندست یا اظهار اینکه، خرده بورژوازی داخل در حکومت بدلیل اجرای سیاست بورژوازی یعنی سیاست خاص نظام سرمایه داری وابسته در حکم بورژوازی بشمار میرود، خود را از قعر چاه تناقض یا دشته بیرون آورد. چنانکه بسیاری کردند و میکنند - اما پیکار که با مبارزه طبقه‌ای جامعه برخوردی زنده دارد، و بسادگی نمیتواند از کنار قضا یا بگذرد، و نیز اینکه به سیاست خاص خرده بورژوازی در حاکمیت توجه دارد، اظهار آنچنان، سخت بیگانه و غیر قابل قبول است. بدین خاطر "پیکار" شیوه‌ی بکرو بیدیع اختراع میکند، کسه بدینقراری است:

اولاً حضور خرده بورژوازی سنتی مرفه را در هیئت حاکمه بدلیل شرکت نمایندگان سیاسی این گروه در قدرت و تجلی سیاستهای خاص

خرده بورژوازی مرفه سنتی را از دل حکومت میپذیرد، و دچار آنچنان سادهلوخی نمیکرد، که بلافاصله پس از قرار گرفتن نمایندگان سیاسی خرده بورژوازی سنتی مرفه بر این حکومت نظام سرمایه داری وابسته اظهار ربهارد چون این جماعت در جهت تحکیم نظام سرمایه داری وابسته عمل میکنند، دیگر خرده بورژوا بخصاب نمی آیند. و در نتیجه حاکمیت همان بورژوازی است، و خرده بورژوازی در آن شریک نیست و حضور ندارد.

ثانیاً حکومتی را که در اساس امور است و خرده بورژوازی را در آن سهم میدانند، ضد انقلابی و ضد خلقی ارزیابی مینمایند. ثالثاً جناح خرده بورژوازی حکومت را نیز میراثی ز عملکردها و سیاستهای ضد خلقی هیات حاکمه نمیداند و آنرا نیز در این جریان سهم میداند چنانکه مینویسد:

"آیت الله خمینی بعنوان برجسته ترین رهبر روحانی وابسته به جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی جزئی موثر از هیات حاکمه ایران است و نه جدا از آن. در طی چند ماه حاکمیت اینان، تمام عملکردها و سیاست ضد خلقی دولت بازرگان و شورای انقلاب مانند لشکرکشی به کردستان و سرکوب خلق دلاور کرد... با تا فیدو گاه بیکار اوصورت میگرفته است و میگردد" بیکار ۲۶

اما "پیکار" علی‌رغم آنکه خرده بورژوازی مرفه سنتی را در اقدامات ضد خلقی حکومت سهم و شریک میداند، خود ترا ضد خلقی بحساب نمیآورد، و صرفاً ترا ضد انقلابی ارزیابی میکند:

"خرده بورژوازی مرفه سنتی علی‌رغم چرخش ضد انقلابی اش در این دوره ضد خلقی نشده است. بیکار ۲۶

"خرده بورژوازی علی‌رغم موقعیت اقتصادی اش در ساخت سرمایه داری وابسته و تعارض منافعی با این ساخت، تحت شرایط مشخص یعنی در دوره دوم انقلاب کنونی ما بلحاظ پراتیک سیاسی و موضع گیری در مبارزه طبقه‌ای (شرکت در هیات حاکمه، تلاش در بدنبال کشاندن توده‌ها در سازش با بورژوازی و سیستم وابسته به امپریالیسم شرکت فعال در سرکوب خائنه کارگران، خلقها و...) نیروی ضد انقلابی شده، و به مانعی در پیشرفت انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی توده‌ها تبدیل گردیده است." همانجا

پیکار در برابر این مسئله که چگونه خرده بورژوازی با وجود آنکه در اقدامات ضد خلقی حکومت ضد خلقی شریک بوده، و حتی گاه ابتکار عمل را داشته است، ضد انقلابی میباشد، اما ضد خلقی نه! و اینمیانند، و بسا بحرصاً اطرلاب خود را بکار میاندازد. و رمزی را بیرون میکشد که "ضد انقلاب لزوماً ضد خلق نیست" همانجا. و بدینوسیله خود را از چاه تناقض بیرون میکند. بدین معنا که اولاً در برخورد به واقعیت اوضاع سیاسی و مبارزه طبقه‌ای، بهنجوی واقع بینانه موفق از آب در میآید، و اولحاًظ تاکتیکی گرفتار مواضع راست روانه و مواضات گرایانه "اتحادیه کمونیستها" و "فدائیان خلق" نمیکرد. ثانیاً با جدا کردن مفاهیم "ضد انقلاب" و "ضد خلق" از یکدیگر خرده بورژوازی سنتی مرفه را از نسبت ضد خلقی معاف و مبرا میکند. و در نتیجه آنرا کاملاً بصرای مرحله انقلاب در اردوی خلق و جزو نیروهای انقلاب دمکراتیک بحساب میآورد.

بدین ترتیب "پیکار" هم تر "انقلاب دمکراتیک و خلق بودن خرده بورژوازی در این انقلاب" را محکم نگه میدارد، هم اینکه خرده بورژوازی را شریک در قدرت دانسته، و آنرا جزو نیروهای میداند که ضد انقلابی اند، آفرین بر پیکار که بخوبی توانست ازین چاه تناقض خود را نجات دهد! و بصورتی موفقیت آمیز. هم اصول و تئوریهایی خود را حفظ نمود، و هم اینکه در قبال مبارزه طبقه‌ای دچا حرکت تاکتیکی راست و اپورتونیستی نگردید. و درست از همین جاست که ابهام و سردرگمی در برخورد با مفاهیم "خلق و ضد خلق" و رابطه آن با مفاهیم انقلاب و ضد انقلاب "آغاز میشود: چگونه ممکن است که نیروی ضد انقلابی باشد، ولی ضد خلقی نباشد؟ و چرا "ضد انقلاب لزوماً ضد خلق نیست؟" چگونه است که هر نیروی ضد خلقی را میتوان ضد انقلابی دانست

نقشه از صفحه ۱

## ضربه‌ای بر

تحولاتی که اخیراً در درون "سازمان چریکهای فدایی خلق ایران" بوقوع پیوسته است برای جنبش کمونیستی، غیرمنتظره نبود، مدتهاست که "س.ج." آبیستن چیزی است که تولد آن علی رغم تلاشهای فرص طلبانه رهبری و تمایل پایه‌های صدیق آن اجتناب ناپذیر است. و بهتر بگوئیم همان فرصت طلبی از بالا و صداقت از پائین است که مسئله را اجتناب ناپذیر کرده است "س.ج." بعنوان یکی از بزرگترین سازمانهای انقلابی در جامعه ما و سازمانی که خود را وابسته به طبقه کارگر و ایدئولوژی آن مارکسیسم-لنینیسم میدانند، مدتهاست که با تضاف عمیقی در درون خود مواجه شده است. از یکومشی غالب بر آن، بسط ابتکار رهبری آن هر چه بیشتر به سمت سازش طبقاتی و دست شستن از مبارزات انقلابی میل نموده است، و از سوی دیگر واقعیت مبارزه طبقاتی جاری، و ضروریات پاسخگویی بر آن ذهن بسیاری از اعضا و هواداران سازمان را بخود مشغول نموده و عملاً بدنبال خود کشانده است.

در تمام مدت یکسال و اندیکه از آغاز دوره جدید فعالیت "س.ج." می گذرد، آنچه بیش از هر چیز دیگر خصوصیات مبنای سازمان را تشکیل میدهد پراگماتیسمی بوده است که بیانگر عدم انسجام فکری در درون سازمان و اپورتونیسم رهبری در حفظ موقعیت خویش میباشد. "س.ج." هیچگاه نظر منسجم و مشخص در مورد مسائل اساسی انقلاب یعنی قدرت سیاسی حاکم، وضعیت اقشار و طبقات مختلف در رابطه با پرولتاریا و بورژوازی وابسته، و نظایر آن نداشته است. ولذا این سازمان نتوانسته است تحلیلهای خود را جز برای مدت زمانی کوتاه حفظ نماید، نتوانسته است تا کتیلهای مشخصی را دنبال کند و مواضع ثابتی را نسبت به مسائل مهم و خطیری که شبات مواضع در مورد آنها ضروری است اتخاذ نماید.

تحلیلهای "س.ج." نسبت به ماهیت قدرت حاکمه، ترکیب طبقاتی آن و نقش آن در جامعه دشوار در حال تغییر بوده است، اما جهت کلی تحلیلهای رهبری بیست همان چیزی است که "کار ۵۹" آن را در معرض دید همگان قرار داد. تا کتیک های "س.ج." نیز دشوار تغییر میکرده است در گردستان گاه شرکت در مبارزه انقلابی و گاه کناره کشیدن از آن، در ترکمن صحرا گاه در من زدن به جنبشهای دهقانی و گاه آرام نمودن آن، در تبلیغ و ترویج گاه افشای این جناح و گاه متحد شدن با آن، گناه مقاومت و افشای در مقابل حملات آن جناح و گاه تسلیم و پذیرش "انتقادات"!، با کمالات اشتباه است اگر تمام این تغییرات و نوسانات را در اثر ضروریات تغییرات تاکتیکی تصور کنیم، "س.ج." غالباً در حین اجرای

یک تاکتیک در عین حال به تاکتیک مخالف آن نیز دست میزده است. بخشی از "س.ج." در جنگ مقاومت گردستان شرکت، و بخش دیگر این جنگ را محکوم مینموده است. بخشی از "س.ج." به دفاع از حقوق دانشجویان بر میخاسته و در مقابل یورش ارتجاع مقاومت میکرده و جریانی دیگر از مدتی قبل به مذاکره مشغول بوده است و... وضعیت مواضع "س.ج." نیز همچون تحلیلهای و تاکتیلهای آن دشوار در حال بالا و پائین رفتن بوده است. "س.ج." که خود را یک سازمان ملی میدانند زمانی بر رویزیونیسم بین المللی میبناخت و حزب توده را شعبه ای از آن میدانست (اعلامیه سالروز شهادت روزبه در اردیبهشت ۵۸)، زمانی دیگر این رویزیونیسم را تا حد تئوری راه رشد غیر سرما - به داگتنزل داد، و اکنون از مبنای تئوریک همان رویزیونیسم بین المللی تغذیه میکند و به حزب توده نزدیکتر میشود.

جهت گیری تحلیلهای، تاکتیلهای و مواضع رسمی "س.ج." که بر واقعیت ناهمگون و منشآت نیروهای درون این سازمان - که خود با زتاب مبارزه حاد طبقاتی جاری در جامعه است - تطابق نداشته، نمیتوانست

اعتراضات و انتقادات فراوانی را در درون این سازمان بر نیانگیزد! اما اگر این اعتراضات و انتقادات در پوشش هیجانات و تعصبات "فدا - بی" پوشیده میماند، مبارزات تئوریک و ایدئولوژیک جنبش کمونیستی با "س.ج." قابل کتمان نبود. سیر رویزیونیستی مشی غالب بر "س.ج."، پراگماتیسم این سازمان و اپورتونیسم حاکم بر آن، بارها و بارها از طرف نیروهای مختلف جنبش کمونیستی مورد نقد قرار گرفت.

در تمام مدتی که "س.ج." دستخوش نوسان و اغتشاش فکری بسوده است، رهبری آن کوشیده تا وحدت درونی این سازمان را بر حول دوجور حفظ نموده و پایه‌های سازمان را گسترش دهد. این دوجور یکی تار - یخچه مبارزاتی "س.ج." و دیگری تازانند اعضا و هواداران این سازمان بر علیه گروهها و سازمانهای دیگر است. برانگیختن شور و هیجان توده‌های جوان هواداران سازمان به حول تاریخچه "فدایی" و نیز تازانند آنها بر علیه جریانهای دیگر که انگیزه‌های تازانند برای هر جریانی به بیانه‌های مختلف تا مین میگشت، بعلت تشنگی ایدئولوژیک یک "س.ج."، حرکتی سطحی و خالی از محتوی بوده است که بالاخره نتوانست بر این تشنگی فائق آید. بعبارت دیگر مبارزه طبقاتی در جامعه و انعکاس آن در سازمانهای سیاسی که بصورت مبارزه ایدئولوژیک در قالب دوجور مشی بروز میکند محورهای شکننده "وحدت" را کناره میگذارد. تلاش رهبری "س.ج." در حفظ وحدت درون این سازمان حول محور - های مصنوعی اگر چه تبارز خط مشی های مختلف و برخورد خلاق آنهاست، اما بتعمیق میباید، اما نتوانست مانع از آن گردد، تنها حاصل این

تلاش عیب این بود که این تبارز به خام ترین و عامترین شکل بسعد تشکیلاتی پیدا نمود، محور تاریخچه "فدایی" نتوانست از بیرواختلافات بر سر عامترین درسهای مشی چریکی جلوگیری نماید و عاقبت عده ای از "فدائیان" از این سازمان جدا شدند. اشعایی که تنها پس از عملی شدن آن و مدتها پس از پایان آن "س.ج." به اظهار نظر در باره آن مجبور گشت.

محور مصنوعی دیگر "س.ج." یعنی تازانند اعضا و هواداران بر علیه جریانهای دیگر حاکمی از اپورتونیسم شدید رهبری بود. رهبری "س.ج." از عریان شدن ماهیت اختلافات اساسی خود با کمونیستها که عمدتاً حول برخورد به حکومت و برخورد به رویزیونیسم بین المللی متمرکز بود، بشدت بیمناک بود. "س.ج." برای هر جریانی در جنبش کمونیستی یک "اختلاف اساسی" پیدا نموده بود و بهانه وجود این اختلافات متنوع "اساسی" در واقع اساسی ترین اختلافات در جنبش کمونیستی را که بخصوص در درون خودش غوغا میکرد، سرپوش میگذارد. "س.ج." با جریانات متنوع العقیده ای که بر جریانی معروف شده بودند یک "اختلاف اساسی" پیدا کرده بود. تحت عنوان "پذیرش تزارتاجی سوسیال امپریالیسم" و به این عنوان اعضا و هواداران خود را بر علیه این جریان به جنبه گیری و امیاداشت. بدترین برخوردها و تجزیه نیرو - های کمونیستی در محیط های مختلف بدستور تشکیلاتی "س.ج." صورت میگرفت. اما بزودی معلوم گشت که این جنبه گیری مصنوعی برای فرار از مبارزه ایدئولوژیک بر سر اساسی ترین مسائل انقلاب ایران و نیز نقش و ماهیت رویزیونیسم بین المللی و برای قبولانند نظرات رویزیونیستی رهبری "س.ج." در مورد مسائل داخلی و بین المللی بود. "س.ج." اختلاف اساسی دیگری را با جریانات دیگری مثلاً سوسی "حاکمیت" جستجو میکرد و مثلاً به برخورد اول را به این جریان بسرای هواداران خود توصیه مینمود. تنها "اختلافات اساسی" با حزب توده بود که بتدریج فرو میریخت. بعبارت دیگر سکتاریسم و پرخاش مصنوعی رهبری "س.ج." ماهیت طبقاتی داشت و آن را نشان داد.

نتیجه اجتناب ناپذیر توسل "س.ج." به محورهای مصنوعی وحدت درونی، چیزی جز اپورتونیسم و پراگماتیسم نبود. رهبری "س.ج." که حفظ موقعیت خود و حفظ اعتماد دوبا به های سازمان را میخواست، بیچاره قبولانند اندیشه‌های خود را گاه تا به تابع حرکتیهای خود جوش از پائین و

قطع کامل دستهای خونین امپریالیستها فقط به وسیله کارگران و زحمتکشان امکانپذیر است!

و در مملکت "جوسی" "س.ج." در موضع گویو به او را شرکت در مبارزات  
توده ها و انتخاب شعارها و... بارها و بارها از سوی جنبش کمونیستی  
به نقد کشیده شده و نشان داده میشده که "س.ج." شیفته قدرت بهر قیمت  
و گسترش پای به بهر صورت است و اکنون این دروازه ای اقلیت نشان  
داده میشود:

"رفقای "کمیته مرکزی" ... پایه های چرخ بر است  
در سیاست، تا کتیبه های این از این لحظه تا به آن لحظه  
و از این واقعه تا به آن واقعه اتفاقا ذکرده اند، چنین  
وضعیتی مبنای اتفاقا کتیبه ها و موضع گیری های ساز-  
مان را بعد از ارتباط با اهداف استراتژیک بلکه اساسا  
تابع منافع آنی و سودمندی لحظه ای نموده است. و با-  
لا ترا این مرکزیت پیش از آنکه منافع در از مدت جنبش  
کارگری و جنبش توده ای نباشد، به کسب نفوذ و دا-  
شتن "پایگاه توده ای" بشیوه احزاب اپورتونیست ار-  
وپایی فکر میکند." همانجا

هشدار به "س.ج." نسبت به گرداب رویزیونیستی که به آن پا میبندد  
از سوی جنبش کمونیستی ما مذمتهاست که صورت میگیرد. "س.ج." بار و بار  
لبی نظریات این و آن بسوی رویزیونیسم از نوع "توده ای" کشانده  
میشد. "س.ج." از یک سو در حرف و در اطلاق صفت، به حزب توده با آن سرز  
بندی مینمود اما یکی پس از دیگری تشریهای آن را بکار میگردشت.  
"حزب توده" میگفت:

۱- چریکهای فدایی برخلاف دعوی خود، با نظرات  
حزب توده ایران مبارزه نمیکنند، از مبارزه با آن طفره  
میروند.

۲- چریکهای فدایی از حزب توده ایران میپراکنند  
زیرا آن چه را که مدعی آن هستند، ما در خود نمیابیم  
در وجود آن میبینند" (مردم - ۱۸ فروردین)

و اکنون پنهان و آشکار و با همه آن التقاط تشغیب داده میشود و قتیکه  
حتی از درون سازمان نگفته میشود:

"... در پیش گرفتن روش اشتی جویانه و تسلیم طلبانه  
در مبارزه طبقاتی، صلح و مصالحه با این یا آن جناح  
قدرتمند در حاکمیت، دادن زدن به توهم توده ها  
و سنت گیری پرشتاب در تئوری و عمل بسوی اپورتونیسم  
و تفکر حزب توده از سوی دیگر، ما را بر آن دانسته است که  
علیرغم مخالفت "مرکزیت" مبارزه ایدئولوژیک درون  
سازمان را علنی کنیم." (کار ۶۱ - ۱۳ خرداد)

گرگتی که از سوی عده ای از اعضای "س.ج." صورت گرفته است در در-  
جه اول اهمیت ایدئولوژیک برای جنبش کمونیستی دارد. این حرکت  
در نفی خود شکستی برای رویزیونیستها و پیروزی برای کمونیستهاست  
ست که به بروی حالت مبارزه طبقاتی با فشاری میگردند. حالت مبارزه  
طبقاتی از نظر ما رکنیم - لنینیسم توسط خط مشی های رویزیونی-  
ستی و پوپولیستی نفی میگردد. شرایط بحرانی و بفرنج اقتصادی،  
اجتماعی و سیاسی در جامعه ما، بویژه از بعد از روی کار آمدن "جمهوری  
اسلامی" بهانه های متفاوتی بدست این دوگرایش اپورتونیستی را-  
ست داده است. سیر رویزیونیستی رهبری "س.ج." در واقع از پراگما-  
تیسم گذشته سازمان و پوپولیسم رایج در جنبش نوین کمونیستی ما  
نقش میگیرد. و این تجربه هر چند تلخ اما ذیقیمتی برای ما رکنیم  
لنینیستهاست که بکنند چگونه پوپولیسم به رویزیونیسم خواهد از نوع  
خوشحلی خواهد از نوع سه جهان آن منجر میگردد.

پوپولیسم در جنبش کمونیستی ما با قائل شدن به تضاد خلق و میرب  
بمالیسم بعنوان تضادی مافوق تضاد توده های مردم با نظام سرمایه  
داری وابسته، در واقع مبارزه طبقاتی دورن جامعه بر علیه یک نظام،  
یک سیستم اقتصادی را اجتماعی و روبروئی سیاسی ناشی از آن را تابع  
یک "مبارزه" پلئی بر علیه امپریالیسم مینماید. در حالیکه مبارزه  
طبقاتی جاری در جامعه مردم بر علیه حکومت پاسدار این نظام بسالا  
میگیرد. پوپولیسم این مبارزه را بشفع مبارزه ای که حکومت هم خود  
را در آن شریک جلوه میدهد تحریف مینماید. به این ترتیب تا کتیبه های

مرورتهای همراه شدن با مبارزات جاری میگرد و این ریشه پراگما تیسم  
"س.ج." بوده و هست. اما مبارزه طبقاتی و انعکاس ایدئولوژیک آن در  
تشکیلاتهای سیاسی قوی تر از آنست که بتوان برای مدت طولانی بسا  
شیوه اپورتونیستی و اتخاذ پراگما تیسم بر آن چیره شد.

حرکتی که اخیرا از سوی عده ای از اعضای "س.ج." تحت عنوان  
اقلیت صورت گرفته است در واقع واکنش نسبت به خط مشی و عملکرد  
رهبری "س.ج." میباشد. با رد دیگر محورهای مصنوعی وحدت درونی درهم  
میشکند و اینبار بخصوص محور زمان و اعضا و هواداران بر علیه جریا-  
نات دیگر است که ضعف خود را نشان میدهد. تمام تلاش رهبری "س.ج." در  
تبدیل مبارزه ایدئولوژیک درون جنبش کمونیستی به یک سری کلی  
گویی های بی فایده جهت صدور احکام مطابق مصلحت و اکنون از در-  
ون درهم میکند. طفره های پی در پی ای که رهبری "س.ج." در مقابل  
انتقادات جنبش کمونیستی متوسل میشد اکنون از درون او را گرفتار  
کرده است. مذمتها بود که نیروهای مختلف جنبش کمونیستی و از جمله ما  
بخشی از مبارزه ایدئولوژیک خود را به نقد نظرات "س.ج." اختصاص  
داده بودیم. ما بارها متذکر میشدیم که "س.ج." مبارزه طبقاتی را تا-  
بع عواملی میگردد آنکه خود تابع مبارزه طبقاتی هستند و به این  
ترتیب در واقع مبارزه طبقاتی را مخدوش و منحرف مینماید. و ما اینرا  
در بر خورد "س.ج." به مبارزه ضد امپریالیستی و اینکه چگونه "س.ج."  
این مبارزه را به مبارزه مافوق طبقات تبدیل میکند. اشاره کرده بود-  
یم.

ما سیر رویزیونیستی "کار" یا مشی غالب بر "س.ج." را در برنا مه  
حداقل آن، و در بر خورد آن به مسائل بین المللی و تصویر اهسی از  
"اردوگاه سوسیالیستی" و رابطه وظایف بین المللی و داخلی پرولتار-  
ریا را که "س.ج." با تائید "حزب توده" تعیین مینمود نشان میدادیم  
و بارها و بارها میل رهبری "س.ج." به سازش با ضد انقلابی که رانده  
بهانه اینک "وابسته نیست" و خرده بورژوازی در صف خلق است نشان  
میدادیم.

ما نشان میدادیم که خط مشی غالب بر "س.ج." سیر شتابنده ای به  
سوی خط مشی رویزیونیستی اردو محور مصنوعی "س.ج." در بر افروختن  
آتش درونی سکتاریسم بر علیه جنبش کمونیستی در واقع تلاشی است  
برای پوشاندن خط مشی حاکم بر "س.ج." و اینک از درون "س.ج." این  
ندا بر میآید که:

"اختلافات ما و کمیته مرکزی" سازمان یک سری اختلافات  
جزیی نبود، بلکه این اختلافات در اساس مبتنی بر  
دو بینش و دو خط مشی بود که تجلیات گوناگون مییافت.  
مسئولیت انتقالی به ما حکم میگرد که بشکل جدیدی  
مبارزه ایدئولوژیک با گرایش انحرافی در سازمان  
و در سطح جنبش را ادامه دهیم." (کار ۶۱ سه شنبه ۱۳  
خرداد مقاله خطاب به هواداران)

واکنش اقلیت نسبت به اپورتونیسم و پراگما تیسم غالب بر  
"س.ج." نشان میدهد که حقانیت مبارزه ایدئولوژیک با انحرافات  
مشی غالب بر این سازمان، که تا به حال از بیرون آن نشان داده  
میشد، اکنون محورهای مصنوعی وحدت درونی را درهم شکسته است. و  
این یک پیروزی برای جنبش کمونیستی ما است. در مقابل مشی غالب  
بر "س.ج." که قالب بندیهای مصنوعی را بجای مرز بندی ایدئولوژیک  
در پیش گرفته بود و چندین "اختلاف اساسی" بنا به مصلحت خود ساخت  
بود اکنون از درون سازمان گفته میشود:

"بنظر ما میرب ترین مساله جنبش کمونیستی که در زنجیره  
مسائل مهم مربوط به این جنبش نقش حلقه اصلی را بازی  
زی میکند، پاسخ به ماهیت حاکمیت کنونی و استراتژی  
و تاکتیک کمونیستها در قبال آن است. بنظر ما دستبندی  
به این طبقه اصلی مقدم بر هر گونه بحث پیرامون مسائل  
گذشته سازمان و موضع گیری نسبت به مسائل سیاسی  
داخلی و جهانی وغیره است." همانجا.

پوپولیستها نه در خدمت استراتژی کسب قدرت سیاسی و نه بودی نظام سرمایه داری وابسته و قطع کامل نفوذ امپریالیسم، بلکه در خدمت استراتژی تقویت یک نهضت عمومی ضد امپریالیستی واهی در میآیند چیزی که بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم کمال استفاده را از آن نموده و مینمایند، پوپولیسم از این لحاظ یا اجباراً به رویزیونیسم راه رشد غیر سرمایه داری یا تکیه به "اردوگاه سوسیالیسم" تن میدهد و یا به رویزیونیسم راه مستقل و ملی در جهان سوم بر علیه دوا بر قدرت.

پوپولیسم نمیتواند نظام سرمایه داری وابسته را بعنوان یک سیستم درک نماید که قانونمندیهای درونی و خاص آن چه از نظر اقتصاد دی و چه سیاسی مبارزه طبقاتی پرولتاریا در این نظام را اصلاح میدهد. پوپولیسم حل مسئله وابستگی را از طریق نابودی نظام سرمایه داری وابسته دنبال نمیکند بلکه بالعکس ادعای سرنگونی این نظام را از طریق حل مسئله وابستگی دنبال میکنند و در نتیجه در نهایت بنحوی از انحاء در خدمت همین نظام درخواهد آمد و مشخص ترین جلوه امر - وزی این سرشوت محتوم تجدیدنظر در مبارزه انقلابی بر علیه حکومت پاسدار این نظام، به بیانیه تفاد خلق با امپریالیسم یا "مبارزه ضد امپریالیستی" است که حکومت گویا کلاً یا بعضاً در آن شرکت دارد!

پوپولیسم با جایگزینی اصالت "مبارزه" خلق بجای اصالت مبارزه طبقاتی پرولتاریا، و جایگزینی اصالت مبارزه ضد امپریالیستی بجای اصالت مبارزه بر علیه نظام اقتصادی و اجتماعی و قدرت سیاسی حافظ این نظام، چاره ای جز این ندارد که بنا به مصالح مبارزه ضد امپریالیستی، رعایت حال تمامی خرده بورژوازی را بنمایند و هنگامیکه مشاهده میکنند که قشر فوقانی خرده بورژوازی سنتی با تبلیغ و حرکات معینی بر علیه امپریالیسم در حکومت حضور دارد، تفاد خلق با امپریالیسم را تا درون حکومت تعمیم میدهد. این واقعیت که همین خرده بورژوازی ضامن اصلی حاکمیت نجات بخش نظام سرمایه داری و وابسته به امپریالیسم است، و اینکه همین خرده بورژوازی به سرکوب

پرولتاریا و جنبش کمونیستی کمر بسته است و مبارزات توده های مردم را سرکوب میکند، برای پوپولیست ها واقعیات و خصوصیات فرعی هستند. برای پوپولیستها هم چنانکه مبارزه با امپریالیسم بمثابه مقوله ای ما و برای مبارزه طبقاتی بر علیه نظام حاکم خرابان میباشد، با همان متدولوژی انترناسیونالیسم پرولتری معنا و مفهوم مییابد برای آنان انترناسیونالیسم پرولتری به بهترین وجهی در مناسبات فی ما بین پرولتاریا در یک کشور و در کشورهای دیگر بحول مسئله پیروز کردن انقلاب در کشورهای مختلف تجلی نمییابد. برای پوپولیستها انترناسیونالیسم نیز مفهومی ما و راه سرنگونی نظامات استعماری در کشورهای مختلف دارد. برای آنها انترناسیونالیسم در کمک به مبارزه خلق بر علیه امپریالیسم با همان برداشت پوپولیستی مفهوم پیدا میکند. و حال تفسیر از امپریالیسم بسرکردگی امریکا و یسارو ا بر قدرت است که پوپولیستها را در کناره این یا آن دسته از رویزیونیستها صف بندی مینماید.

شیر رویزیونیستی در "س.ج." جلوه ای بارز از تکامل یک بینش اپورتونیستی راست و نوعی پوپولیسم است. جنبش کمونیستی مسامیایست از تجربه تلخ انشعابات متعدد در "س.ج." عبرت بگیرد و بار دیگر به این واقعیت توجه کند که تنها وحدت ایدئولوژیک پرولتری محور پایداری تشکیلات م.ل. است. و این بخصوص و بطور مضاعف وظیفه آن دسته از رفقایی است که اکنون از درون "س.ج." به مبارزه با مشی غالب بر آن برخاسته اند. بنظر ما هرگاه این حرکت به یک شناخت همه جانبه از ریشه تشویقهای پوپولیستی و رویزیونیستی غالب بر "س.ج." دست نیاید و منشأ سبک کار اپورتونیستی و پراگماتیستی آن را نشناختند، نخواهد توانست از چهار چوب کلی طرز تفکر حاکم بر "س.ج." خارج گردد و به حرکت تکاملی جنبش کمونیستی در پرولتاریا رویزیونیسم و انواع اپورتونیسم یاری رساند.

بپردازد، بی مقدمه به سراغ ضد خلق و ضد انقلاب میرود، و هیچ توضیحی در مورد جنبه اشیا تی قضیه نمیدهد "پیکار" در نتیجه گیریهایش هم، بیواسطه از این دم میزند که چرا میان ضد انقلاب و ضد خلق یا ارتجاع فرق نمیکند؟ چرا نیرویی را که بطور موقت و در شرایط خاصی در موضع ضد انقلاب قرار گرفته، هم ردیف ارتجاع و ضد خلق قرار میدهند؟ اما هیچگاه بطور صریح و آشکار صحبت از آن نمیکند که چگونه یک نیروی خلقی ممکن است در شرایط خاص، وضعیت ضد انقلابی بخود بگیرد، ولسی باز در موضع خلق باشد!!

با وجود آنکه فرمول بندی پیکار در شماره ۳۶ بدلیل مبهم، دو پهلو و بیوجه سلبی بودن مضمون و تعاریفش، ابهام و سردرگمی موجود بخش وسیعی از جریان ۳ را علاج ننموده، و حتی دامن میزند، و نیز تعریف روشنی از مفاهیم خلق، ضد خلق، انقلاب، ضد انقلاب و ارتجاع از اشته نمیدهد، و تفاوت آنها را با یکدیگر روشن نمیسازد، با زما بهر آنیم که به کهنه نظرات و فرمول بندی پیکار راه پیدا نمائیم تا بهتر بتوانیم به صحت و سقم آنها دست بیابیم تعاریفی که پیکار از ضد انقلاب و ضد خلق و تما یز آنها ارائه میدهد، دور داشت را بدست میدهد که ما به هر دوی آنها میپردازیم:

بقیه از صفحه ۴

اما هر نیروی ضد انقلابی لزوماً ضد خلقی نیست؟

بنیض از آنکه علت دقیق و اساسی توسل پیکار را به چنین اسطرابی بررسی کنیم، بهتر است به دلایل خود پیکار در این رابطه توجه نموده، و رموز را از اسطراب آنرا در یابیم. پیکار برای توضیح و اثبات مدعای خود مینویسد:

"در اینجا لازمست که تفاوت میان ارتجاع یا ضد خلق را با ضد انقلاب روشن سازیم. ارتجاع یا ضد خلق عبارتست از آن نیروی طبقاتی ای که در مرحله انقلاب (دموکراتیک یا سوسیالیستی) بلحاظ موقعیت عینی اش در ساخت اقتصادی - اجتماعی مدافع مناسبات کهنه بوده و مانع رشد نیروهای مولده است. حال آنکه ضد انقلاب شامل آن نیروی طبقاتی ای نیز هست که در زمان اعتلا انقلابی مانع رشد نیروهای انقلاب و تحول انقلابی است. ارتجاع ضد انقلاب هم هست ولی نیروی ضد انقلابی لزوماً ارتجاعی نیست. حال آنکه نیروی طبقاتی ای که تحت شرایط مشخص بلحاظ پراتیک و موضع گیری در مبارزه طبقاتی برای نابودی انقلاب از طریق منحرف کردن و سبازش گشادن آن تلاش میکند ضد انقلابی بوده و باید برای تحقق هدف استراتژیک مرحله انقلاب تشویقهای ضد انقلابی آنرا خنثی کرده، و او را منفر ساخت. "پیکار ۳۶ تاکید از ما ست.

جوهر استدلال پیکار برای اثبات حقانیت اسطراب خویش، در این چند سطر فشرده شده است.

اما این چند سطر چنان دو پهلو و مبهم میباشند که بسختی میتوان بدقت تعاریف مربوط به "خلق" و "ضد خلق" و "ضد انقلاب" را از لابلای آنها بیرون کشید. مهمترین مسئله ای که به ابهام و پیچیدگی قضیه در این توضیح پیکار دامن میزند، توضیح جنبه سلبی قضیه میباشد "پیکار" بجای آنکه بصورت اشارتی به تعریف مفاهیم مزبور بپردازد - زدوخت خلق یا انقلاب را تعریف نماید، و سپس به ضد خلق و ضد انقلاب

(که مرتجعین اشته میدهند) بلکه در انقلابی جا معه میباید... حاکمیت سیاسی ضد خلقی جدید پس از قیام است. توده ها چون سیر حرکت را بهبودی اوضاع و منطبق بر منافع خود نمیبینند، چون خود را حاکم نمیبینند، به مقابله با این حکومت برخاسته اند. و اگر حکومتی انقلابی درآینده بوجود آید طبیعاً علی رغم وجود این مشکلات از آنجا که نماینده خودشان نماینده منافع و خواست کارگران و زحمتکشان است فعالانه از آن دفاع خواهند نمود. باید به توده ها نشان دهیم که حکومت انقلابی (که حتی الامکان مسامیای مشخصات آنرا ترسیم نمائیم) چگونه مشکلات مشابه مشکلات کنونی را حل میکند و چگونه توده را برای غلبه بر بحران اقتصادی و سیاسی و تغییر

انقلابی جا معه میباید... شکی نیست که اگر ما در این دوره فروپاشیدگی توهم نتوانیم میدان را بر بورژوازی لیبرالها و هواداران بختیارها و سلطنت طلبان که از طریق رادیکالهای خود انفعال سیاسی را به شاع میدهند، تنگ کنیم، در شکل گیری وسیع توده ها جهت انقلاب کوتاه می کرده و از عهده کارهای اساسی خود بر نیامده ایم. برای کمونیستها طرح برنامه - های انقلابی اشان در میان توده ها، اشاعه مفاهیم و شعارهای صحیح انقلاب و توضیح و ترویج ساده آنها در مقطع کنونی بی نهایت اهمیت دارد.

شماره ۸ صفحه ۹

شان بنده هکده این سازمان توانسته است خط مبارزه توده ها و تانکینگ متناسبت با آن ترا دریا بد زحمتکشان کردستان دهقانان وزحمتکشان شهری کرد، نیروی حقیقی جنبش انقلابی در کردستان محسوب میشوند. آنها مطمئنترین و قاطعترین نیروی کردستان محسوب میگردند. ستم ملی و مذهبی، انواع فشارهای طبقاتی بیش از همه بر آنها وارد میشود. شرکت آنها در جنبش کردستان به عنوان هسته این جنبش در واقع بخاطر آزادی از قید و بند های طبقاتی و فشارهای سرمایه وابسته و ملاکبان و تروتمندان محلی است. فعالیت آنها در بنکها و اتحادیه های هقانی کردستان دقیقاً جنبش مضمونی را منعکس میکند. کومله که اساساً به این نیروها متکی میباشد. در شکل و آگاه گردن آنها نهایت کوشش خود را بخرج داده است

کومله از منافع دهقانان فقیر و میان حال در مقابل دهقانان ثروتمند و فئودالها، از منافع زحمتکشان شهری در مقابل ثروتمندان محلی و دولت دفاع میکند. آنها در بسیاری از نواحی زمینهای فئودالها را تقسیم کرده اند. و برای رسیدگی به وضع زحمتکشان شهری اقداماتی بعمل آورده اند.

مواضع کومله در قبال جنگ، دولت و توده ها در جهت مبارزه انقلابی خلق کرد و خلق ایران بوده است. کومله هرگز در قبال دولت دچار لحظه ای تردید نیست به بنده ها و اهداف سرکوبگرانه و ضد خلقی اش بنوده است. آنها هرگونه سازش غیر اصولی و از فراسر خلق کرد را رد کرده اند. هرگونه مذاکره جداگانه، هرگونه طرح عماد های یا چند ماده ای دیگر که منافع زحمتکشان کرد را توضیح ندهد و در بر نداشته باشد، رد کرده اند. آنها نه تنها با نیروهای ضد خلقی حاکم بلکه، نیروهای منطقه ای که در جهت منافع خلق کرد حرکت نکرده اند از قبیل "سپاه رزگاری" قاطعانه برخورد کرده اند (چیزی که فدائیان خلق و دمکراتها رتوده) آنها کوشش دارند تا از برعکس جلوه دهند) از اینروست که کومله در حقیقت توانسته است به نمایندگی سیاسی زحمتکشان کرد و سازمان مورد اعتماد آنها ارتقاء یابد.

همانطور که دیدیم در کردستان، ضمن توجه مبارزه ای عمومی جهت حق تعیین سرنوشت یا دقیقتر خود مختاری مبارزه درونی میا ن جریا -

نات بورژوازی - خرده بورژوازی و اپورتونیستی از یک طرف و نیروهای کمونیستی و انقلابی که منافع زحمتکشان و دهقانان را مورد حمایت خود قرار داده اند از طرف دیگر جریان دارد.

هیات حاکمه، از مدتها قبل با فرستادن هیات های ویژه و مذاکره و حسن نیت و... با تشکیل جلسات مخفی با دمکراتها، آنها را به سازش و تسلیم طلبی کشانده است. حکومت که به ماهیت بورژوازی حزب پی برده است، جنبه وحدت خود با آنرا زمینه ای برای شکافتن صفوف نیروها در کردستان میبیند. دمکراتها علی رغم وجود شورای نمایندگی خلق کرد مرکب از (کومله، س.ج، د.د، مکرراتها و شیخ عزالدین حسینی) به مذاکره جداگانه با دولت پرداخته وسی کرده راه فراری برای خود از جنبش کردستان پیدا کند. آنها مد -

عیان سازشکار منافع خلق کسرد هستند. آنها از ترس آنکه توده های کرده منفر دشان کنند و یکناری بگذا رند. تاکنون نتوانسته اند بر نامه خود را کاملاً آشکارا بجا آورند. زحمتکشان سازش آشکار مراد از دست دادن پایگاه توده ای و رودرویی آشکار با توده ها است. اینهاست آنچه دمکراتها را و امیدار که صرف نظر از منافع که در اند، به مقابله با دولت کشانیده شوند.

اینک "س.ج" نیز با دمکراتها همراه شده و امید حکومت را مدچندان کرده است. اما آنچه که این سازشکاران فراموش کرده اند، بحران عمومی موجود، ماهیت هیات حاکمه و نیروی عتلا جنبش انقلابی است سازشکاران بر سر منافع خلق در میان توده ها عمز یاد نخواهند کرد. آنها یا مجبورند در مقابل خلق کسرد قرار گیرند (که اینکار را "س.ج" با افشاکری از چپروها آغاز کرده است) و یا در کنار خلق کرد با یستند در کردستان انقلابی و تدریجاً در همه ایران سازشکاران زمینه عینی خود را از دست میدهند، گرایشات بورژوا - خرده بورژوازی چه در کردستان و چه در سر تا سر ایران از طرف توده ها طرفد خواهد شد و سیز مبارزه طبقاتی جاری خاشا - کهای بر سر راه خود را به کنار خواهد زد.

جنبش خلق کرد جزیی از جنبش انقلابی خلق ایران بوده و خود میا - رزه ای طبقاتی در درون دارد. کسی که نسبت به این جنبش دچار سازشکاری شود، کسی که اهمیت آنرا

از لحاظ تداوم انقلاب که همانا زمینه عینی جنبش، اادامه جنبش انقلابی جهت نابودی سیستم و آزادی حقیقی خلقهاست در دنیا بد، از جنبش انقلابی خود را به کنار کشیده است. هم اکنون "س.ج" به اپورتو - نیم سخی گرفتار شده است. آنها تدریجاً خود را از جنبش کمونیستی جدا میکنند و به صف همه اپورتونیستهای بیرو حرفه ای میپیوندند. آنها آینه جنبش خلق کرد را فدای سازشها و منافع خود مینمایند. اما نمیدانند که این جنبش علی رغم همه سازشها و خیانتها در بستر عمومی جنبش خلق ایران به پیش میرود و پیروزی آنرا

کمونیستها باید بدانند که مو - قعبیت جنبش در کردستان ما را موظف میکند، تا در هر کجا، ارتباط لاینفک آنرا با منافع طبقه کارگر و با انقلاب ایران بازگو کنیم. ما باید بکوشیم زمینه های مادی و معنوی جنبش را به کارگران و زحمتکشان نشان دهیم و آنها را به پشتیبانی از این جنبش فراخوانیم. یکی از ضعف های اساسی دوره اخیر جنبش کرد (که ما نیز به آن دچار بوده ایم) کم کساری نسبت به آگاه کردن توده ها از ماهیت مبارزات خلق کرد و افشاء اقدامات حکومت در کردستان است. ما باید بر این ضعف غالب شویم. در شرایطی که توده ها روز بروز بیشتر خود را از حکومت جدا میکنند، و اوقف کردن آنها به اهداف خلق کرد میتواند به سمت دهی آگاهی طبقاتی آنان یاری رساند. یکبار دیگر آنچه را در تابستان و مهر ۵۸ گفته بودیم تکرار میکنیم.

"ما اعتقاد داریم مبارزات کنونی و از جمله مهمترین آنها یعنی مبارزات خلق کرد آغاز مرحله جد - پدی از مبارزه انقلابی بشمار میرود که در تداوم خود با تائین رهبری طبقه کارگر در آن در نهایت منجر به جمهوری دمکراتیک خواهد شد. این جمهوری دمکراتیک حق همه ملل در تعیین سرنوشت خود و از جمله حق خلق کرد را به آنان واگذار خواهد نمود و از برای آزادی واقعی خلقها هموار خواهد ساخت.

از اینروست که شناخت مرحله کنونی مبارزات خلق کرد، نشان دادن اهمیت آن به خلقهای دیگر و طبقه کارگر و کسب پشتیبانی طبقه کارگر از جنبش خلق کرد و شرکت فعال در شکل دهی به آن نقش بسیار مهمی در استراتژی و تاکتیک انقلابی ما ن بازگشاید" (۵) ■

توضیحات

(۱) - در شهر سنج هر محله ای شورا و بنکهای داشت که امورات محلی شهر و محله را اداره میکردند. غیر از اینکار و مهمتر از آن کار سیاسی بنکها و شوراها بود، تبلیغ و ترویج و رشد شعور و آگاه سیاسی مردم از طریق برنامه سخنرانی هفتگی، نمایشگاه، فیلم، آموزش نظامی-سیاسی، کلاسهای تئوریک، اعلام مواضع سازمانهای سیاسی (یکی از کارهای بنکها محسوب میشود) بنا بر این فعالیت این بنکها حاصلت حاکمیت را نیز داراست. ولی این خصلت در بنکها مطلق نیست چون واقعاً حاکمیت خلق در کردستان و ایران برقرار نشده و مبارزه میکنیم که این حاکمیت را بدست بیاوریم. چون افشاکری و تبلیغ و ترویج بنکها محض مبارزه سیاسی بنا حکومت را نیز داراست. بنا بر این بنکها دارای خصلت ارگانهای مبارزه نیز هستند. یعنی بنکها خصلت دوگانه از حاکمیت و مبارزه را دارا است. و این نکته اساسی برخورد به این بنکهاست.

نقل از گزارش سیاسی رفقای سازمان در کردستان.

(۲) - نقل از "بیانیه مسئله کردستان و وظایف ما" رزمندگان آزادی طبقه کارگر، مهر ۵۸ بیانیه اصلاح شده ...

(۳) - نقل از "نقدی بر بیانیه نیه سازمان چریکهای فدایی خلق" در مورد کردستان "رزمندگان آزادی طبقه کارگر، شهریور ۵۸

(۴) ما اعتقاد داریم که سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان، از لحاظ خط مشی عمومی هنوز به تدوین تئوری و نظرات خود نپرداخته است و تا آن حدی که به جنبش ارائه شده انتقاداتی به آن وارد میدانیم. اما این امر به معنی رد نمایندگی زحمتکشان کردستان از جانب این سازمان کمونیستی نمیشد مبارزه با دولتی و نولوژیک با نظرات کومله جزیی از برنامه ما جهت وحدت جنبش کمونیستی محسوب میگردد.

(۵) - نقل از "بیانیه مسئله کردستان و ... رزمندگان آزادی طبقه کارگر - مهر ۵۸



بقیه از صفحه ۱۰

با حکومت میباید. سیاست معاشات و سازشکاری این حزب چیزی است که حکومت و بویژه جناح لیبرالها پیوسته از آن دفاع کرده اند و حتی حاضر به مذاکره با آنها نگردیده اند. حزب دمکرات، با رها به مذاکرات مخفی و علنی جداگانه با حکومت تن در داده و طرح عمده ای سازشکارانه خود را برای همین مذاکرات جداگانه تدوین کرده است. طبیعی است که این حزب که خود تابع ماهیت طبقاتی آن میباشد نیز انطباق دارد.

مدافعان حزب دمکرات عبارتند از: فئودالها - زمینداران - تجار و شروتمندان شهری و روشنفکران بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه. ماهیت این حزب هم در چهارچوب همین گرایشات قابل توضیح میباشد. این حزب شوونیسم و کردگرایی را در میان توده های گرداغانه میدهد. و کوشش میکند مسئله کردستان را تا حد مسئله ملی، با شین بیاورد و بوسیله جنبه های طبقاتی جنبش جاری سرپوش بگذارد.

حزب دمکرات عملاً به تبلیغات ضد کمونیستی در میان دهقانان و زحمتکشان شهری کردستان دست میزند و زده است. آنها از کمونیستها و علی الخصوص از کومله بیزارند. آنها با نیروهای ارتجاعی و مزدور منطقه از قبیل چاشها، با معاشات رفتار میکنند و از اینکه کومله قساطنانه با این مزدوران و هرچیزان وابسته و مزدور دیگری برخورد میکند (مثل سیاه روزگاری) بشدت ناراحتند و توده ها را علیه آنها (یعنی کومله) تحریک میکنند.

دمکراتها در شمال کردستان از موقعیت خوب و برتری نسبت به کومله برخوردارند در حالی که در جنوب و در مناطق روستایی کردستان وضعیت کومله مستحکمتر و نیرومندتر است.

(جزیکهای فدایی خلق ایران شاکه کردستان) جریانی بسیار ضعیف تر از کومله و دمکراتها هستند. لیکن بنا به موقعیت آنها در جنبش کردستان ما به توضیح مختصری بپردازیم.

"س.ج" سازمانی است که بطور عمده دچار اپورتونیزم راست

نسبت به مبارزه توده ها گردیده است "س.ج" نتوانسته است ماهیت دولتی را که در کردستان به کشتار توده ها مشغول است، در یابد. تا جای شکیه سرانجام آنقدر در ابهام و تزلزل فرو می رود که یکبارزه با تضام معیارهای مارکسیستی را بکنسار مینهد. و دولت را دولتی "وابسته نیست" یا "دقیقتر" ملی "یا" خلقی" است ارزیابی می نماید. وقتی سازمانی در قبال دولت این چنین متزلزل و در واقع اپورتونیست باشد، طبیعی است که جنبش توده ای، نقش تاریخی اش و اهمیت سمت آنرا درک نکنند. بدتر از آن دچار شده ترین اپورتونیسم در قبال جنبش شود. ما قبلاً در نقدهای که در تابستان ۵۸ نسبت به مواضع "س.ج" در قبال جنگ کردستان نوشتیم، جنبه "لیبرالی" برخورد آنها را بخوبی نشان دادیم. ولی آنچه که ما در آن موقع از لحاظ تئوری توضیح دادیم هم اکنون در عمل صورت

تحقق بخود میگیرد. "س.ج" بجای اعلام خواسته خلق کرد، حق تعیین سرنوشت، و دقیقتر خود مختاری، خواسته خلق کرد را تا حد صلح عادلانه بسود زحمتکشان!! پاشین می آورد. آنها جنگ کردستان را جنگ برادر کشی خطاب میکنند و هیچ تقابلی میان پیشمرکه کرد و پایداری رواتشی که تحت فرماندهی هیات حاکمه فد خلقی به آنجا گسیل شده اند نمیگذارند. آنها در عین حال که مجبور شده اند در جنگ بطور نسبی شرکت کنند، اما با ناخرسندی تمام گله میکنند که چرا در شرایط مبارزه غذا مبریا لیستی با بدچین جنگها بی راد میزد. در مقاله کار ۵۹ "سخنان بنی صدر و..." "س.ج" اعلام میکند که علیه چپ روان مبارزه میکند و آنها را افشاء مینماید (همانطور که علیه محافظ جنگ افروز؟! درون حکومت اینکار را میکند). "س.ج" با شتاب مواضع بورژوازی بنی صدر را "مثبت" ارزیابی مینماید و یکبار دیگر خود را با آنها منطبق میسازد. بسادگی فراموش میکنند که همین بنی صدر اعلام کرده بود خانه به خانه مخالفان (یعنی خلق کرد را) سرکوب میکند و هیچ گروه سیاسی مسلحی را تحمل نمیکند!

"س.ج" هم اکنون هیات حاکمه را "غیر وابسته"، یعنی شرمگینانه

ملی و خلقی ارزیابی میکند و طبیعتاً درگیری آنرا درگیری با خلق را بحساب می آورد (زیرا منافع خلق را نمایندگی میکند). آنها مبارزه حقیقی توده های کرد را علیه هیات حاکمه موجود، علیه سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، مبارزه

با امپریالیسم یا مبارزه ای که در جهت آنت امپریالیسم تمیکنند، و به توده های کرد توصیه میکنند که به جای خواسته های خود، به جای ادامه انقلاب و گسترش آن، به صلح تسن در دهند. آنها صلحی که دمکراتها در زمان آندوهیات حاکمه تنها به شرط تسلیم آنرا پذیرفته است: اسلحه ها را زمین بگذارید! تسلیم شوید! بیا بیدیا حکومت خلقی مذاکره کنیم. چنین است موضع اپورتونیستی و سازشکارانه "س.ج" در کردستان!

بهمین علت آنها بیچای همه طرحهای انقلابی که تاکنون از جانب کومله یا هیات نمایندگی خلقی کرد تنظیم شده است به طرح عمده ای دمکراتها، که مملو از سازش و خیانت به خلق کرد است، تن در داده و حاضر شده اند با دمکراتها زیرا علامیه ای را که تحسین حزب توده را برانگیخته امضاء نمایند.

همانطور که در بیاناتیه کردستان (مه ۵۸) اعلام کرده ایم: "این سازمان از آنجا که بدست روشن و قاطعی در قبال حکومت ندارد و قاطعیتنا هم سیاست مشخصی بپیرامون مسئله ملی کردها و سایر نژاد کنونی آنهاست، دچار نوسانات و تزلزلاتی در موضع گیری و عمل میگردد. نمونه: این تزلزل و عدم قاطعیت را در بیاناتیه چریکهای فدایی خلق شماره ۵۵ تاریخ ۵۹/۶/۴ میتوان دید"

این تزلزل و نوسان امروزه تشویر شده و به سیاست سازمان تحول پیدا کرده است. اگر ما در آن زمان نوشتیم: "تذکرات اشتباهات هیات حاکمه، تقاضا از لیبرالها برای فشار وارد آوردن به آن و طلب دمکراسی از بورژوازی معنایی جز فرمایش و محافظه کاری ندارد." و "تنها با افشاء ماهیت واقعی هیات حاکمه و سیاستهای آن میتوان و بیا بدیرولتاریا را برای تیرد قاطعی آینده آماده ساخت" (۳)

امروز دیگر با بدگفت که "س.ج" عملاً آزادانه انقلاب و جنبش خلق کرد بریده میشود و به موضع اپورتونیزم آشکار و پشیمان و همکاری با دمکراتها و گدایی صلح جنبو نانه از لیبرالها برای حفظ وحدت غذا مبریا لیستی؟ (بالیبیرالها! با حکومت!) در غلطیده است. آنها ایمان خود را به خلق کرد و به مبارزه توده ها از دست داده اند. آنها نمیتوانند بفهمند که مبارزه خلق کرد جزئی از انقلاب ایران و لاجرم به زیان امپریالیسم است. آنها نمیتوانند بفهمند که کما میک از اقدامات زیر بسود امپریالیسم است: سرکوب کردستان از طرف هیات حاکمه! یا مبارزه خلق کرد برای حقوق خود! و از همه مهمتر مضمون اصلی جنگ کنونی را که به کل سیستم موجود مربوط است نیز درک نمیکنند.

فدائیان به بیاناتگران اپورتونیزم، به بیاناتگران تزلزل و ارتداد منشی خرده بورژوازی تیدیل شده اند و این ارتداد اپورتونیسم را در کردستان نیز به خوبی به نمایش گذاشته اند. بررسی جنگ اخیر از آغاز تا محاضره کردستان تا به حال به وضوح موضع فوق را در پور د "س.ج" در کردستان هم در تئوری و هم در عمل روشن میسازد.

اینکه دمکراتها و "س.ج" و موضع اپورتونیستی "س.ج" را که بر موضع سازشکارانه و بورژوازیسی دمکراتها منطبق شده است دیدیم، به سراغ توده های کرد، دهقانان و زحمتکشان شهری برویم.

منافع زحمتکشان کردستان را "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان" (کومله...) و سایر تشکلهای م.ل نمایندگی میکنند. کومله آنیکه یکی از وسیعترین و قاطعترین نیروهای سیاسی منطقه محسوب میشود (۴) تنها سازمان قدرتمندی که تاکنون از لحاظ تاکتیک بطور کلی دچار انحراف و اپورتونیزم و نگریده و به خوبی توانسته در حد توانایی خود جنبش خلق کرد را بطور صحیح در عمل رهبری نماید. این سازمان و سایر تشکلهای اساس حقیقی دفاع از خواسته های زحمتکشان کردستان محسوب میشوند. برخورد قاطع کومله به ماهیت و خصلت دولت (علیرغم وجود آنها) نسبت به ترکیب آن از جانب کومله (بقیه در صفحه ۸)

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

# کردستانیان و نیروهای سیاسی آن

عده در صفحه ۱ خلق کزده بیطو و ر عمده زحمتکشان و دهقانان کردستان چه با تشکیل اتحادیه های دهقانی و چه با بنکها و شوراهای شهری، و با تهر انقلابی خود که در وجود پیشمرگه های انقلابی تجلی پیدا میکرد، در واقع قدرت سیاسی دومی را متمایز و در مقابل قدرت سیاسی مرکزی تشکیل دادند. (۱)

وجود ارتکابهای قدرت محلی، و مبارزه جهت تحکیم آنها در کردستان، از همان بدو امر با جمعیت سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و نتیجتاً با قدرت سیاسی حامی و حافظ آن یعنی جمهوری اسلامی و هیات خاکمه جدید ایران، در تضاد آشکار قرار داشت. مبارزات خلق کرد از همان بدو امر برپا از قیام دقیقاً به همین علت پیوسته بسرعت به عالی ترین شکل ممکنه یعنی قهرآمیز تحول پیدا کرده است. قدرت سیاسی هیات خاکمه ناگزیر برای حفظ سیستم به وحدت و تمرکز حاکمیت و غلبه قدرت سیاسی خود در همه جا نیازمند است. آنها برای خلاصی از بحران لاعلاجی که گریبان این سیستم را گرفته است راهی جز اعمال قهر و قوه نظامی بر علیه خلقها و نیروهای مبارز و انقلابی بی ندارند. و هر جا که مبارزه خلق و جنبش انقلابی توسعه داشته باشد، عملاً ما شاهد این قاعده خواهیم بود. همچنانکه در کردستان شاهد آن بودیم.

در طی یکسال و نیم پس از قیام بهمن ماه ۵۷ و سرنگونی رژیم سلطنتی، رابطه میان جنبش انقلابی کردستان و حکومت، رابطه میان دو نیروی جنگی متخاصم بوده است. جنگ مسلحانه به سرعت به شیوه اصلی مبارزه میان انقلاب در کردستان و ضد انقلاب حاکم تبدیل شد. دور آن وقت مذاکره، صلح، آتش بس و... تنها به مثابه تجدید قوای نظامی، اما دگی برای جنگ جدید، و پیش برد جنگ میتوانسته مطرح باشد. این قاعده عمومی مبارزه در کردستان است.

هیات خاکمه که بخوبی به خطر کردستان انقلابی و قوف حاصل کرده بود، قوای خود را بر روی این گانوان مبارزه انقلابی متمرکز کرد و تا به آن حد پیش رفت که به فرماندهی مشترک برای نیروهای ارتشی و پاسدار و جاش و غیره تن در داد تا بتواند بطور متمرکز و سازمان یافته تر تکلیف خود را با جنبش خلق کردیکسره کند. اما جنبش خلق کردجیبی از جنبش خلق ایران، و یک جزء اصلی آن در حال

حاضر محسوب میشود. مقابلها با جنبش خلق کرد، عملاً مقابلها با جنبش انقلابی خلق در سراسر ایران بحساب میآید. هیات خاکمه بر نامه عمومی سازمان سور، دستگیری انقلابیون و کارگران و زحمتکشان شهری، تعقیب و کشتار دانشجویان و بستن دانشگاهها را دقیقاً در همین رابطه دنبال کرده است. هر بار که حکومت تصمیم گرفته است به طور قاطع کردستان را سرکوب کند، سرکوب عمومی در سراسر ایران را بطور جدی تر و شدیدتر دنبال مینماید. پس کاملاً واضح میباشد که جنبش خلق کرد، از جمله عوامل اساسی میباشد که به ادامه انقلاب در ایران، باری رسانده و خود در حال حاضر به جزء اصلی آن مبدل گردیده است.

پس از چند جنگ بزرگ که حکومت بر علیه خلق کرده راه انداخته است - قبت به تجهیز تمام عیار و تمرکز جنبش انقلابی قوای برای کشتار و سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد پرداخت. این بار پاسداران، قوای ارتش و نیروهای مزدور محلی (جاشها و پیشمرگان مسلمان کرد) متحداً و با حداکثر قوای نظامی ممکن و حتی نیروی هوایی و فانتوم و بمب در برابر جنبش کردستان قرار گرفتند. این بار هیات خاکمه کاملاً به مقام کردستان در زنجیر انقلاب ایران و قوف حاصل کرده و بهر قیمت تصمیم به درهم شکستن این قدرت توده های غیر رسمی میگردد. و نیروهای خود را وسیعاً به منظمه گسیل میدارد. و به وحشیانه ترین شکلی کوشش میکند منظمه را کنترل نماید.

هیات خاکمه تها و نظامی و کشتار خود در کردستان را مقدمه ایجاد آراش در آنجا بحساب میآورد و خیال دارد به جای خواسته های خلق کردستان چندبرنامه اصلاحی مسائل منظمه را حل کند. در حالیکه مسئله اصلی در کردستان مدتهاست که پیرامون قدرت سیاسی است. توده های کرد، تن به حکومت سرمایه داری وابسته نمیدهند. آنها بطور نسبی خواسته هایشان را درک کرده اند و برای کسب آن بسر سختانه تا کنون جلو ارتش و پاسداران ایستادگی کرده اند و از این پس

نیز خواهند ایستاد. آنچه که با دیدبردستی آنرا در مد نظر داشت ادامه و تغییر شکل جنبش کردستان است. خلق کرد که اینک خود را با قوای وحشی و اشغالگر جمهوری اسلامی رویرو میکنند. به جنگ مقاومت دست زده است. نیروهای ارتشی در پادگانها، اطراف شهرها، و ایستگاههای نگهبانی و نیروهای پاسدار و جاشها در همه جا دستها در تهدید نیروهای پیشمرگان قرار دارند. خلق کرد تها و زد دولت مرکزی و کشتارهای اخیر را با مقاومت و تعرض مداوم خود پاسخ میدهد و این مسئله ای است که با توجه به ابعاد توده ای جنبش در کردستان نشانه محاربه شدن تدریجی نیروهای دولتی توسط نیروهای انقلابی میباشد.

هیات خاکمه از سویی درگیر با بحران اقتصادی مزم و عمیق است و از طرف دیگر در درون خود مواجه با تضادهایی علنی میباشد. به علاوه مبارزه حاد طبقه ای، تضاد و بیخبران فوق را عمیق تر و عمیقتر میکند. آنها روز بروز از مقابلها با جنبش انقلابی ناتوان تر میشوند. البته این مسئله که هنوز حکومت پایه های در درون مردم دارد، نا فانی ناتوانی آن نمی باشد. چرا که هر روز ما مینیمیم که هیات خاکمه اتکاء واقعی خود را برای حکومت یعنی قوای نظامی، بیشتر از سابق به میدان میکشاند. این امر امری را نگر ضعف آشکار و ناتوانی حکومت در کنترل اوضاع موجود است. اگر این عامل، یعنی بحران و ناتوانی هیات خاکمه را در کنار اراده مصمم توده های کرد جهت کسب حقوق خود قرار دهیم، آنگاه واقعیت شکست یا پیروزی در کردستان برای ما روشن میشود. حکومت اگر چه بر روی سرکوب کردستان یوحدت نظر کافی دارد و همه جناحهای آن به نحاه مختلف خواهان کسبیدن خانه به خانه کردستان هستند، اما قیام در به در هم شکستن اراده، خلق کرد نخواهند بود. جستجوی حکومت، برای پیدا کردن راه حلی جهت پایان دادن به مسئله کردستان، با در حقیقت بخش مهمی از جنبش خلق ایران، در تقویت آراگانهای نظامی و توسعه سرکوب

و کشتار خلق کرد، خلاصه نمیشود. آنها کوشش خود را بر روی بهره برداری از گمانها و زنجیرهای سیاسی گنجه کش و توانایی ادامه مبارزه را تا به آخر ندارند، نیز انجام میدهند.

و این مطلبی است که ما سعی میکنیم در این مقاله آنرا روشن نماییم. مینیمیم مبارزه طبقه ای در جنبش خلق کرد به چه صورتی جریان دارد

در حال حاضر سه جریان سیاسی در کردستان وجود دارد. این سه جریان بطور نسبی منافع طبقه ای معینی را منعکس میکنند و با نگرانی تاریخی طبقه ای در کل ایران و کردستان میباشد.

حزب دمکرات کردستان که بر زمینداران روشنفکران بورژوازی و مایه داران محلی و خرده بورژوازی مرفه کردستانی است، از همان بدو امر، بنا به طبیعت بورژوازی اش، سیاست معین را دنبال کرده است. به این معنی که جهت کسب قدرت همه بسیج نظامی میبرد و اخت و هم به مهاجرات با دولت مرکزی. آنها از یک طرف تلاش ورزیده اند که جنبش خلق کرد را در چهار چوب بورژوازی و ملی بدون توجه به جنبه طبقه ای آن محصور کنند و از طرف دیگر مرتباً با اتکاء به نیرویی که در کردستان داشته اند به مذاکره با دولت مرکزی جهت دادن اختیارات و امتیازاتی به دمکراتها مشغول بوده اند.

شواهد و مدارک و واقعیت بسیار ری از جریانات یکسال و نیم اخیر کردستان در دست است که بخوبی بیانگر سیاست فوق میباشد. در مبارزه میان دهقانان و فئودالها، دمکراتها کوشش کرده اند بنفع فئودالها و زمینداران آنها را آشکارا دهند. در داخل شهرها، در مبارزه میان زحمتکشان فقیر و شروتمندان محلی نیز، دمکراتها همین گونه عمل میکنند. آنها سعی کرده اند شکارهای انقلابی، به میان توده ها راه پیدا نکنند و همیشه و در هر حال "در مقابل اوج گیری مبارزه انقلابی دهقانان بر علیه مالکان و اربابها تلاش میکردند دهقانان را با مالکسان و فئودالها سازش دهد. و از آنجا میخواست که با صرف نظر کردن از حقوق حقه خود، در مقابل دشمنان طبقه ای خود سکوت کرده و با آنها در صلح و صفا بسربرند... (۲)

این حزب پیش از آنکه جنبش توده ها را راه رهایی زحمتکشان کردستان بنماید، در پی ساختن و پاختن بقیه در صفحه ۹

# لیک زهمنندگان

۱۵ دیال

## نگاهی به: "مردم و مجاهدین"

هر هفته روزهای پنج شنبه سازمان مجاهدین خلق ایران در مقاله ای تحت عنوان "مردم و مجاهدین" در نشریه مجاهدین هواداران و دروازه قیام توده های خودسخن میگوید. این مقالات همانطور که از اسم آن هم پیداست، در خدمت پاسخگویی به مسائل و مشکلات نظری و عملی هواداران است و در بعضی از این سلسله مقالات به خوبی نظرگاههای انقلابی توده های سازمان مجاهدین و درگیری آنها با رهبری و مرکزیت سازشکار سازمان روشن میگردد و پاسخ غیر اصولی سازمان مجاهدین به این خواستهای انقلابی توده های سازشکار هم بر سازشکاری و راست روی سازمان صحه میگذارد.

مقاله "مردم و مجاهدین" در مجاهدین شماره ۲۶ روز پنج شنبه ۸ خرداد ۵۹ به خوبی بقیه در صفحه ۲

## ۲۳ خرداد ۳۸ زمینه ساز قیام ۱۵ خرداد

مهمترین و پیرشکوه ترین اغتمبات کارگری آن دوران است. کارگران کوره پزخانه ها که یکی از زحمتمکش ترین و محرومترین کارگران ایرانند در شرایط طاقت فرسا، ساعتی طولانی، حتی ۲۶ ساعت و بیشتر در کوره های سوزان بقیه در صفحه ۹

در پی وخیم شدن اوضاع و احوال اقتصادی روبه توسعه گذارد. سیاستهای ضد خلقی رژیم شاه موجب گسترش نا رضایتی شدید در میان تمام کارگران ایران گشت و اعتماد یکپارچه و متحدانه بیش از ۳۰ هزار نفر کارگران کوره پزخانه های تهران در ۲۳ خرداد ۳۸ یکسری از

۲۳ خرداد سالروز قیام خونین کارگران کوره پزخانه های تهران علیه ظلم و استعمار سرما به دوران است با داین روز و با دمبارزه دلاورانته کارگران کوره پزخانه های تهران همواره در سینه یک یک کارگران و زحمتکشان ایران زنده خواهد ماند. سالهای ۲۸ و ۲۹ جنبش کارگری

## بیانیه مشترک "حزب دمکرات و سازمان چریکها" و مساله صلح در کردستان

غافل از اینکه صلح طلبی ادعایی بنی صدر، چیزی جز زیرکی موروثی در سرکوب خلق کردن نیست. در این میان، احزاب و نیروهای سیاسی سازشکار، آنها که در پی قدرت بوده و قبیل از آنکه به توده ها توجه کنند چشم به هیات حاکمه دوخته اند، بقیه در صفحه ۳

و همه اعدامها و شکنجه ها، دیدند میشود. شعار صلح بنی صدر که این روزها از بلندگوها پخش میشود، خصوصاً که با مخالفت حزب جمهوری اسلامی روبرو شده است، این مساله را به ذهن های ساده اندیش تحمیل میکند که گویا در هیات حاکمه جناحی صلح طلب و جناحی جنگ افروز وجود دارد.

دستگاه های تبلیغاتی رژیم مدتیست که به کار افتاده است تا ثابت کند، گروههای سیاسی و خلق کرد جنگ افروز و رژیم صلح طلب است. این کوشش بخصوصی از جانب بنی صدر، فرمانده کل قوا، و مسئول مستقیم همه این درگیریها و خونریزیها، و همه بمبارانها و تپ بستن ها

### در صفحات دیگر می خوانید :

- اعدام انقلابیون و کمونیست ها در شهر مقاومت
- تیغ حاکم شرع، بر فراز سر جوانان مبارز شهر!
- کارت خرید گوشت / یا برگه تقمیش عقاید؟!
- زحمتکشان و نمایندگان واقعی آنها؟!
- قصه برای بزرگسالان! ■ پنجشنبه ها تعطیل است!
- موج تقمیش عقاید امن معلمین مدارس راهم میگیرد
- دولت سرمایه دار موقتاً عقب می نشیند
- شورای بنز خاور / پیشنهاد دهند ه یا ناظر؟
- کشاورزان سمیرم / دشمن واقعی فتودالها!

... و ■

# زحمتکشان و نمایندگان واقعی آنها؟!

حدود یک هفته است که نزدیک به چند صد تن از کارگران و کشاورزان رودبار، در اعتراض به انتخابات نقلی شهرشان، جلوی مجلس شورای محض کرده و با حضور خود، ارکان "حقانیت" نمایندگان پروردیسه" حکومتی را، در پشت دیوارهای محل تحصنشان به لرزه انداخته اند. قضیه از این قرار است که در مرحله دوم انتخابات در رودبار، دو نفر به نامهای میرزا پور (کاندیدای حزب جمهوری اسلامی) و سیفی (کاندیدای منفرد) حاضر شرایط بودند. سیفی که عضو یک خانواده کارگری است، با وجود امکانات بسیار محدودش در تبلیغات انتخاباتی و در مقایسه میرزا پور که توانست با استقبا از امکانات وسیع حزب و حتی دولت، به تبلیغات دامنه داری دست بزند، سرانجام بدلیل محبوبیتی که در میان مردم داشت و نیز با طر حمایت نیروها و سازمانهای مترقی از او، موفق شد که با اختلاف پانصد

رای از رقیب انتخاباتی خود جلو بیفتند. فرماندار شهر ابتدا از اعلام نتایج خودداری میکند، و لسی در اعتراضاروپا فشاری مردم مجبور به تسلیم شده. پس از ۴۴ ساعت تاخیر نتیجه به نفع سیفی اعلام میشود. در این میان میرزا پور که پشتش گرم تر از این حرفهاست و میدانند که روزی اش جای دیگری حواله شده است خود را به تهران میرساند و سپس از تماشایی با حزب جمهوری اسلامی به محل باز میگردد. آری حزب معجزه اش را آغاز میکند و ناگهان به سه دلی اعضای کمیسیون تحقیق برات میشود که آراء یکی از صندوقها مخدوش است و بابتی باطل اعلام گردد. آنگاه مردم حیرت زده شهر ناگهان متوجه میشوند که میرزا پور با دو بیست رای اضافی برنده شده است!!

اما زحمتکشان رودبار زیر بار حرف زور نمیروند. در میان شنفرد و انزجار عمومی از این توطئه کثیف روز ۱۶ رده بیست نظراتی از طرف مردم انجام میگردد و در اعتراض به

این همه وقاحت، پیل لوشان بوسیله مردم تصرف میشود و جاده ورودی شهر را بمدت چند ساعت میبندند. در این میان مقامات شهر به دست و پیا میافتند و به مردم قول میدهند که در این باره مجددا رسیدگی خواهند کرد. اما این وعده سرخرمن هرگز اجراء نمیشود و کارگران و کشاورزان رودبار با تحصن در مقابل مجلس اسلامی، چهره دیگری از دغلیکاریهای حکومت را به تماشا میگذارند.

تحصن کارگران و کشاورزان رودبار، جریان انتخابات مسجد سلیمان که در آن نماینده مجاهدین خلق اکثریت را بدست آورده ولی در مجلس حضور ندارد و عدم بزرگاری انتخابات سندیج و مریوان و تعدادی از شهرهای کردستان که در آن به احتمال بسیار زیاد نمایندگان انقلابی و کمونیست انتخاب میشوند و حتی راه ندادن نمایندگان حزب دمکرات ساژشکار، در کنار صدها نمونه دیگر، همه و همه نشان میدهد که نمایندگان مجلس

نه نمایندگان مردم بلکه نمایندگان جانب دولت بورژوازی هستند.

در حال حاضر این فرزندان خلف تقلبهای انتخاباتی هریک میگویند تا بیش از دیگران خود را نماینده واقعی "مردم" جا بزند و با سوء استفاده از "سنگردفاع" و "مستضعفین" به تقویت صف بندی خود در مقابل "حریف" کمک رسانند.

اختلاف میان خرده بورژوازی و لیبرالها، اعتراض خلخالی به بازرگان اعتراض یکی از لیبرالها به فزاید های الله اکبر بعضی از نمایندگان، در حقیقت پیش برده ای است که خبر از یک نمایش پرچنگال به قصد کوبیدن حریق و تحمیل توده های اختلافها و علیرغم تمام بیسن زی های مظنن دوجناح در باره خلق مستضعف و آلونگ نشین ها در مجلس دعوی واقعی بر سر لحاف ملانصرالدین است!

بقیه از صفحه

# نگاهی به: مردم و مجاهدین

نشاندننده این تعارض سمت گیری با زمان و بیایگه توده ای اش می باشد. در این مقاله ابتدا چند نامه نقل میگردد که در آن هواداران از "راست روی" سازمان انتقاد میکنند: "خواهری از تهران برایمان نوشته است: "فکر میکنم سازمان دارد یک مقدار راست روی میکند، ما نمیتوانیم این اختلافات کلی را با این دستگاه داریم زیر پا بگذاریم. چرا بایدا بقدر امکان بنشینیم...؟" ویا "برادر کردی که در روز کارگر به تهران آمده و در ترس میتال حضور داشته است، از مسافر خانه برایمان نوشته: "... لاقبل اجازه دفاع از خود به ما بدهید. این که نشد ما همه اش کتک بخوریم...". ویا "برادر دیگری از تهران نوشته که اقدامی نکنیم و هی کتک بخوریم؟ راه سلامت آمیز هم جدی دارد...".

در اولین برخورد به این نامه ها آنچه که دیده میشود تعارض نظرات و رهنمودهای سازمان با واقعیت عینی مبارزه ای است که هواداران با آن درگیری دارند. هواداران خود اهان رهنمودهایی هستند که به

خواستهای انقلابی و مبارزه جویی آنان بر علیه استعمار وستم سرمایه داری پاسخ دهد و سازمان از دادن عاجز و در خط دیگری سیر میکند.

واضح است چنین انتقاداتی به رهنمودهای سازمان بایدرهبری و مرکزیت رآبه بررسی و برخوردیسه سیاستهای خود و توضیح آن بسزای هواداران و در صورت انحراف تصحیح آن باشد، اما سازمان مجاهدین خلق از مبارزه جویی هواداران خود از پتانسیل انقلابی نیروهای خود برای زهر چشم گرفتن از هیات حاکمه و هشدار دادن به مقامات مسئول برای جلوگیری (!؟) از کارهای چاق بدست ها استفاده میکند: "اینجا مقصد یا سخوی به خواهان و برادران عزیز خود را نداریم فقط به مقامات مسئول، عنا و سرور آمدن اران چاق بدست، توطئه گران آشوب طلب و... بالاخره به آن کسانی که دلشان برای آینده ای این مملکت میسوزد، هشدار میدهم! و.....".

"اژما میپرسم بالاخره ما هم تاکی قادر خواهیم بود جلوی این برادران و خواهان خود را بگیریم" (مجله هد ۷۶ ص ۲)

رهبری، سازمان مجاهدین در همین پاسخ کوتاه خود، اولاً هیات حاکمه را از قدرت خود میترساند و مبارزه انقلابی توده های خود را در خدمت جلب نظر هیات حاکمه به قدرت سازمان مجاهدین قرار میدهد و ثانیاً اعتراف میکند که جلوی مبارزات توده های انقلابی خود را سد کرده است!

رهبری سازمان مجاهدین اعتراض میکند که انرژی انقلابی توده های هوادار سازمان بسی فراتر از خواست و "احتیاج" سازمان است و اعتراف میکند که توده های هوادار سازمان بسی انقلابی تر از آن هستند که سیاست های ساژشکارانه سازمان را می توان کند و در واقع اعتراف میکند که انرژی انقلابی توده های هوادار خود را نه در خدمت رشد مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان بلکه در خدمت ترساندن و هشدار دادن به هیات حاکمه به کار میگیرد.

اما تاکی توده های انقلابی سازمان مجاهدین میتوانند سیاستهایی چون سیاست سازمان مجاهدین در حمله رژیم به دانشگاه ها را بپذیرند؟ تاکی توده های انقلابی سازمان

میتوانند شهید و مجروح و ناقص العضوبه هندولی سیاست های مماشات جو یا نه رهبری سازمان بایستی صدر و هیات حاکمه را بپذیرند؟

و تاکی رهبری سازمان با چنین سیاستهای ساژشکارانه ای میتواند توده های انقلابی و هوادار خود را نگهدارد؟

با اوج گیری هر چه بیشتر رزه و طبقاتی و با شرکت هر چه بیشتر دیگر نیروهای انقلابی و کمونیست ها در مبارزه توده های انقلابی هوادار این سازمان تا بحمل زورگوییهای رژیم را نخواهند داشت. و نمیتوانند ناظر سرکوب کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی بوده و در مقابل آن منفعل بمانند. آنها نمیتوانند منافع زحمتکشان و تعارض منافع زحمتکشان با سیاست ها و ما هیات زحمتکشان را بپذیرند و چشم خود را بر روی مبارزه و دشمنی ایندوبیندند! و اینها نه هشدار به هیات حاکمه، چنانچه سازمان مجاهدین خلق میدهد، بلکه هشدار است به رهبری سازمان که بداند نمایندگان رزات طبقاتی با این مماشات و ساژشکاری ها چشم به هیات حاکمه دوختن ها سرا زنگاری ندارند.

# بیانیه مشترک "حزب دمکرات و سازمان چریکها" و

## مسئله اصلی طرح در کردستان

رزان قهرمان کردیکی پس از دیگری در سنج اعدام میشوند، روستاها به توپ بسته میشوند و دهها روستایی جان خود را از دست میدهند.

آری در چنین شرایطی از مقاومت جانبا زانه خلق کرد و سرکوب وحشیانه کردستان توسط ارتش و پاسداران حزب دمکرات کردستان ایران دست در دست سازمان چریکهای فدایی خلق از هیات حاکمه تقاضای صلح میکند!

سازمان چریکهای فدایی با وجود اینکه در جنگ کردستان شرکت کرده اما همواره در مواضع خود ناپیگیری و ترنزل نشان داده و بی نیروی سازشکار منطقه، حزب دمکرات کردستان و نیروهای انقلابی و کمونیست کردستان

و در رأس آنها سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) در نوسان و تذبذب بوده است و بالاخره در کناره موضع گیری های کاملاً سازشکارانه در ارگان مرکزی خود "نشریه کار" راه اصلی خود را که همانا سازش بوده است یافته و بنا

حزب دمکرات بیانیه مشترک داد. سازمان چریکها بلافاصله بعد از پایان جنگ در تابستان ۵۸ و شکست و عقب نشینی رژیم شعار "صلح عادلانه در کردستان" را طرح کرده و آن زمان سمت و سوی این شعار، اینکه این صلح را چگونه و از چه کسی میخواهد

روشنی معلوم نبود و سازمان چریکها این شعار را بطور کلی مطرح نمیکرد. اما اکنون که سازمان چریکها در کنار بیانیه مشترک با حزب دمکرات در ارگان خود مینویسد "... رئیس جمهور ضمن تأکیدهایی که برای اعمال حاکمیت جمهوری اسلامی و مقابله با کاسنی که این حاکمیت را زیر علامت بشوای قرار داده اند کرد، از امکان تحقق صلح آمیز مطالبات خلق کرد و ضرورت کوشش برای پایان دادن به جنگ کردستان سخن گفت ... و بیانیه

انتخابات داریوش فروهر برای مدت اکرات صلح کردستان گام عملی

بقیه در صفحه ۶

دراز کرده و این بار سازمان چریکهای فدایی خلق را نیز به دنبال خود دارد و با هم از بی صدر میخوانند طرح عا مدهای حزب دمکرات را که خلق کرد به هیچ وجه آنرا قبول ندارد تا زه همراه با اصلاحات خودش بپذیرد سازمان چریکهای فدایی خلق. شاخه کردستان و حزب دمکرات در شرابیطی دست سازش به سوی هیات حاکمه دراز کرده اند که خلق کرده چنانچه قهرمانان می جنگند تعدادی از شهرها در دست پاسداران و ارتش است اما آنها جرئت رفتن به یک کوچه را هم ندارند، کردستان به دست ارتش افتاده اما ارتش کمتر جاهای را در اختیار داشته و میتوانستند نقل و انتقال نظامی انجام دهد چرا که با مقاومت



دلیرانه پیشمرگان قهرمان رو بسرو خواهد شد و تا بودی ستون زرهی قزوین بهترین نشانه این وضع است. روستاها پایگاههای پیشمرگان دلاور کرد است و روستائیان با جان و دل آنها را در میان خود پذیرا میشوند. خبر تا مه کومه له دست به دست میگردد شعرا هر روز روی دیوارها نوشته میشود و پاسداران و ارتش علی رغم تمامی روشهای وحشیانه شان نمیتوانند جلوی آنها را بگیرند.

سازمان چریکها شاخه کردستان و حزب دمکرات در شرایطی از مقامات مسئول تقاضای "صلح عادلانه" میکنند که ارتش و پاسداران وحشیانه دست به سرکوب خلق رزمنده کرد میزنند. بیانه هر روز میباران شده از تمام شهرها به دو دیلند میشود، مباح

رایه انحراف کنانده و خاموش کند. حزب دمکرات بعد از عقب نشینی و شکست رژیم در جنگ اول با جبار در هیئت نمایندگی خلق کرد که در آن کمیونیست استی چون سازمان انقلابی زحمتکشان شرکت داشت وارد شد و طرح ۲۶ ماده ای را پذیرفت اما این اجبار و فشارهای خلق هتیار کرد بسرازی از هم نپاشیدند وحدت سازمان نهایی سیاسی خلق کرد مدتی طولانی نبود و حزب دمکرات کردستان با جدا کردن راه خود و جدا کردن جدا گانه با دولت و دادن طرح عا مدهای به دولت هر چه بیشتر در جهت به انحراف کشاندن مبارزات خلق کرد کوشید. اما افشاگری های سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) و هشیاری

در دامن زدن به این توهم نقش مهمی را بازی میکنند. و در این میان دو سازمان سیاسی خلیق کرد، یعنی حزب دمکرات کردستان و سازمان چریکهای فدایی خلق شاخه کردستان طی بیانیه مشترکی از مردم و همچنین مقامات مسئول دولتی خواستند که برای برقراری صلح عادلانه در کردستان از تلاش نیروهای مسئول در این منطقه حمایت کنند و از دولت خواستند که عامل خود مختاری بیانشان از جانب حزب دمکرات را با نظرات اصلاحی خود رسماً اعلام کنند. پذیرش رسمی این خواسته ها همراه با اعلام آتش بس و برداشتن محاصره اقتصادی کردستان، فضای لازم جهت گفت و شنود و حل مسالمت آمیز مسائل کردستان را باز خواهد نمود" (تفصیل از مردم ارگان مرکزی حزب تسوده ایران شماره ۲۴۶ ص ۷)

سازمان چریکهای فدایی خلق شاخه کردستان و حزب دمکرات کردستان دو نیروی سیاسی درگیر در جنگ کردستان بودند که در کنار سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) و پیشمرگان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر، راه کارگر، تشکیلات پیشمرگان زحمتکشان و پیشمرگان شیخ عزالدین حسین و خلق مبارز کرد علیه هجوم دولت مرکزی مقاومت میکردند. و اکنون بعد از خراج شدن پیشمرگان از بعضی از شهرها و افتادن آن شهرها به دست پاسداران و ارتش از مقامات مسئول و مردم برای کوششهای صلح طلبانه خود کمک میخواهند.

حزب دمکرات کردستان همواره یکی از نیروهای سازشکار منطقه بود است که در کنار شرکت در جنگ مقاومت همواره گوشه چشم و نیمنگاهی به هیات حاکمه داشت و انتظار داشت که با گرفتن امتیازاتی از دولت مرکزی بتواند قدرتی در منطقه بدست آورده و با منفرد کردن نیروهای کمونیست منطقه مبارزات خلق کرد

### ژاندارمری جمهوری اسلامی در دفاع از فتوایها

هیات حاکمه را به چشم میبینند، بر- ای اطلاع از چگونگی ماجرا، بخش های از اعلامیه را با هم میخوانیم: پس از متن اعلامیه:

اینک آخرین اخبار رسیده حکا- بیت از آن دارد که موج دستگیر- زحمتکشان روستای "هست سفلای گرفته و در شرایطی که روستا شبسان در اعتراض به این دستگیریها به راهپیمایی و تحصن دست زده اند، ژاندارمها در شهر میگردند و هر کد را اهل روستای "هست" با شد دستگیر میکنند!

آری برای نجات نظام سرمایه داری وابسته، حکومت با اصلاح حامی مستضعفین چاره ای ندارد جز آنکه در عمل، تفنگ خود را بر سینسینه زحمتکشان نشاند رود.

اخیرا از طرف هواداران سازمان رزمندگان در اراک اعلامیه های منتشر شده که در آن به چگونگی حمله ژاندارمری به روستای "هست سفلای" اشاره شده است. زحمتکشان این روستا که هشت ماه پیش، با یک شورش قهرمانانه زمین های فشان بودال معروف منطقه "سلیمان خان خا- نیلکس" را مصادره کرده و در آن یو- نه کاری کرده بودند، بود تمام این مدت با هوشیاری و اتحاد خود، توطئه های متعدد "خائنینوکسن" را با همدستی هیئت حاکمه، خنثی نموده اند، اینک که زمان برداشت محصول فرا رسیده است، یکبار دیگر با حمله مسلحانه ژاندارمری جمهو- ری اسلامی روبرو شده و برای چندمین بار، اتحاد دنگین فتوای الهی و

### پیروزی

## کارگران کوره پزخانه های ملایر

چکن خود سرانجام موفق شدند که سرچ دستمزده خود را برای هر آجری به عودده تومان برسانند و بدین ترتیب اعتصاب متحدانه آنها با موفقیت پایان یافت و زاول خرداد به سرکارها نشان بازگشتند. در اعلامیه ای که کمیته مناسبت بسویله هواداران سازمان رزمندگان در ملایر منتشر شد، به این نکته اشاره شده است که در حال حاضر بقیه کارگران کوره پزخانه ها (چرخ کش، گلساز، مدویست تومان شدند، پس از اینکه از هر کوره یک نماینده انتخاب کرده و پیش کوره داران و فرماندار ملایر فرستادند، از طریق اتحادیه کارگران

سرانجام، پس از مدتها تحمل سخت ترین شرایط، کارگران ملایر "قالب گبر" در کوره پزخانه های ملایر، برای بیلابردن دستمزده خود دست به اعتصاب زدند و در تمام بیش از ۲۰ کوره پزخانه شهر دست کار کشیدند. آنها که در سالهای رفعت با رگدشته برای هر هزار آجر هفتاد تومان دستمزد می گرفتند، خود ستار بالا رفتن این نرخ به میزان صدویست تومان شدند. پس از اینکه از هر کوره یک نماینده انتخاب کرده و پیش کوره داران و فرماندار ملایر فرستادند، از طریق اتحادیه کارگران

## موج توفنده گودنشینان

هفته گذشته جمعی از گودنشینان دروازه غار که خانه هایشان در معرض فروریختن است در شورای گودنشینان واقع در محله جمع شدند و از نمایندگان گودخواستار رسیدگی به وضعیت خانه هایشان شدند. در شورا مردم محل می گفتند: "خانه هایمان در دروی سرمان داغان میشود، پس چرا خانه های ما را خریداری نمیکنید که ما از دست این گودها راحت شویم."

عده ای دیگر می گفتند: "ما خانه هایمان را خراب کردیم، الان مستاجر هستیم و داریم کرایه خانه میدهم، و منتظر پول خانه هایمان هستیم مگر خود شما نگفته بودید اگر خانه هایمان را خراب کنید، پول آنها را نقطه پرداخت خواهیم کرد؟ پس چه شد؟ اما در جواب تمامی این اعتراضات مردم، شورای گودنشینان تنها یک جواب داشت: ما به شهرداری گفتیم و شهرداری به ما گفته خانه را که میخرید نصف پول را به صورت زمین به آنها بدهید و نصف دیگر آن را بول نقد بدهید با این حرفها مردم اعتراض خود را تشدید کردند و یک نفر پرسید: "این زمینها را در چه منطقه خواهد داد؟" مسئولین شورا در جواب گفتند: "این زمینها خارج از محدوده است ولی فعلا جابجایش مشخص نیست!" با این حرفها مردم بیشتر از قبل عصبانی و ناراحت شدند و صدای اعتراضها از هر سو بالا گرفت. مسئولین شوراها هم از ترس خشم

### مهاجرای فرا آقای شهردار از دست گودنشینان

زنی رسیدیم دم در به صاف نشینور رسیدیم به محوطه شهرداری همه به ما خیره شده بودند، یکی میگفت این وحشی ما دیگر کسی هستند که با جواب دندان شکن یکی از هم محله ای های ما روبرو شد! و گفت ما همانها یی هستیم که انقلاب کردیم حال شما در آباد و آسایش بمر میبری دو ما در خان های زندگی نمیکنیم که سقف شان در دروی سرمان خراب میشود.

خلافه وارد سالن شدیم و چو آسایر شنبوع بود پای پیساده ناظفده میدهم که اتاق شهردار آجا بود بالا رفتیم و در جلوی دفت مخصوص آقای شهردار بنشینیم و گفتیم تا زمانیکه جواب فاطح به ندهند اینجا را ترک نمیکنیم. در بی خشم بهم زدن حایان سرمایه یاسد اران و ما موران شیربانی آمدند خواستند ما را بیرون کنند ما در مقا بل آس همدزن بجه جرات حرف زدیم و نکردند. رفت و آمدهای بسیار در داخل دفتر میشد ولی کسی به ما کاری نداشت. ساعت تقریباً ۵/۵ سه بود که یکی از نوکرهای توسله شهردار مخفیانه به آسایر شوری گفت آسایر شورا ما ده کن آقای شهردار میخواهد سرود ولی یکی از زمینها خواستند ما را بیرون بدهند گفتند "خواهرها شهردار میخواهد فرار کند ما بیرونش میدادیم، بعد هفت روزه در خانه

در آن زندگی میکنند حالا آن مقدسار پولی که به آنها داده اند به زحمت قسمت زمینی میشود که بتوانند در آن خانه بسازند. این نازده مشکل آنها بی استکه خانه هایمان را فروختند. این بچه ها مالی، بیشتر از آن کسانی هستند که خانه شان را فروخته اند و ولی چون آقایان نمایندگان دولت، میگویند دیگر بود چه نداریم، با وجود اینکه خانه هایمان را در دروی سرمان خراب میشود مردم هم اشغال هایمان را در خرابی های کنای این خانه ها میبرزند. مجبورند در همانجا بمانند مهم تر اینکه قبلا همه خانه ها برپسسا بود کسی خانه های را خراب نکرده بود خانه ها بهم اتقال داشتند و مختصر هم دیگر را نگه میدادند اما الان اسفا مت خانه ها کم شده و بوی کند خرابی های اطراف دیگر زندگی را بر سر دم سخت کرده است مردم از این بی برای کارتان به این شورای گودنشینان رسیده بودند به تنگ آمدند و خلاصه رفتی با جواب منفی نماینده وزیر بودند به شهرداری منطقه واقع در بازارک شیر رفتند.

گودنشینان که سالی از شهردار و مردود کودک سرخوارده بودند ما همراه بدیختی حورانه حایان از دست شهرداری رساندند. حالا شهردار سفیدنا حرار از زمان یکی از کسب و شمشان بنمود:

مردم گفتند: "اصلا به ما ربطی ندارد، هر اعتراضی دارید بروید و به شهرداری منطقه، با این حرف مردم گودنشین حاضر در جلسه که بیشتر آنها را هم زنها تشکیل میدادند دست جمعی به طرف شهرداری منطقه واقع در بازارک شهر حرکت کردند، اما اهل جلجلیان از این قرار است که چندی پیش طرحی از طرف شهرداری داده شده بود که خانه های گودنشینان را بخرند و پولی به گودنشینان بدهند تا خود آنها هر کس که مایل باشند خانه بخرند. ابتدا شو- رایبی درست شد و از هر گودم یک نماینده برای این شورا انتخاب شد که البته این نماینده ها هم اکثر اراچی یا شیخ بوده و گرچه خود را مورد اعتماد مردم قلمداد میکردند ولی بسیاری مردم هیچ کاری انجام ندادند و فقط گلیم خودشان را از آب در آوردند. اندامین شورا که بعدا معلوم شد از طرف دولت تشکیل شده، اقدام به خرید خانه های کرد که احتمال خراب شدن آنها بسیار بود. مردم دیگر خانه ها گفتند: باشد، آنها واجب تر هستند، بعدا حتما نوبت ما هم میرسد، بعد از مدتی دولت خانه هایمان را خراب کردند و به هر کدام از آنها پول انقدر کم بود که نمیشد حتی یک حیاط دو اتاقه بسازان تهیه کرد. خانه های کودها کاهسی و زنها تا هاتای واردند، و هر خانواده با فرزندانش، اما ما دهایی و عروسیهایش

اینجا فرم چاپ شده‌ای توسط انجمن اسلامی مسجد سیدالشهدا دامپزشکی بین مردم محل پخش شده است. بخش کنندگان به مردم میگفتند: این ورقه‌ها برای دریافت گوشت از قصابی‌هاست و باید ساداً کتین هر خانه (صاحبخانه و مستاجرین) این فرم‌ها را پر کنند. جالب اینجاست که درست چند روز قبل کسارت مخصوص گوشت توسط ساکنین محلی پر شده بود. اما گردانندگان انجمن اسلامی میگفتند: "اینها ناقص بوده و اسم همه نوشته نشده است این کار را ما کلاً متراست! البته آنها راست میگفتند این کارت کلاً متراست بود، اما نه برای خرید گوشت، بلکه برای بازجویی از مردم!"

افراد محل وقتی این کارتها را دیدند با ناباوری از هم سؤال میکردند: آیا انجمن‌های اسلامی باید از اوقات بیکاری و تخصص تک تک افراد خانه با خبر شوند تا به آنها گوشت بدهند؟ آیا انجمن‌های اسلامی با شغل فعلی و شغل قبلی و شماره تلفن هر کسی را باید نندیدند به آنها گوشت بدهند. دادن گوشت به "مالک و مستاجر بودن چه ربطی دارد؟ در حقیقت، ناشی‌گری این

## کارت خرید گوشت یا برگه تفتیش عقاید؟

جا سومان تازه‌کار، به سرعت مردم را نسبت به آنها مشکوک کرده و دستشان را "رو" کرد.

انجمن‌های اسلامی همه با حزب جمهوری اسلامی رابطه دارند و حزب جمهوری اسلامی از آنها همه‌جور استفاده‌ای میکند. آنها در محلات نقش جاسوس و خبرچین را بازی میکنند. قبلاً به اسم خانه‌دادن به مردم و کمک به مستضعفین به خانه‌های مردم میرفتند و به خیرچینی میپرد. اختتام وقت از کمک‌های آنها خبری نشد، در خانه‌های مردم به روی آنها بسته‌ماند و حالا حزب جمهوری اسلامی برای اطلاع از وضع مردم و تفتیش آنها راه‌چاره دیگری اندیشیده و آن سوء استفاده از مسئله کمبود گوشت و نیاز مردم به این غذا را حیات است. حزب جمهوری اسلامی به خیال خود میخواهد از طریق "پایگاه‌های توده‌ای اش" کنترل محلات را در دست گرفته و اخبار هر محل و عقاید و وضعیت افراد هر محل را برای "روزمبادا" جمع‌آوری کند. اما اکثریت مردم محل این فرم‌ها را برنگرداند و حزب جمهوری اسلامی همچنان در فکر توطئه‌های جدید است!

**بسمه تعالی**  
**انجمن اسلامی ولی عصر**  
**« مسجد سیدالشهدا - دامپزشکی »**

متخصصان سرپرست خانواده

نام و نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ تاریخ تولد: \_\_\_\_\_ محل تولد: \_\_\_\_\_  
 نامک:  شماره تلفن: \_\_\_\_\_  
 مستاجر:  آدرس کسالت: \_\_\_\_\_

متخصصان اعضای خانواده  
(پدر، مادر، فرزندان)

ردیف	نام خانوادگی	تاریخ تولد	شماره شناسنامه	میزان تحصیلات	شغل	تخصص	وضعیت پزشکی

# اعدام انقلابیون و کمونیست‌ها، در شهر مقاومت

سازشکاران و صلح طلبان قلابی را افشاء میکند.

این اعداها در زمان ادا مسابقات انقلاب، در زمان ادا مسابقات خلق کرد و ادا مسابقات کارگران و زحمتکش‌ها صورت نمیگیرد. این اعداها هر چند که بهترین فرزندان خلق را دست چپین میکنند اما طلب‌های آن روزی را که خلق ایران چون مستوره شهسوار فریاد برآوردند، "من اگر اسلحه میداشتم الان هم با جمهوری اسلامی می‌جنگیدم و اگر اسلحه نداشتم با شمشیر و کمان می‌جنگیدم و اگر اسلحه نداشتم می‌جنگم تا شما به جنگم نزدیک شوید."

مربیان به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. در حال حاضر نیز محاکمه و اعدام انقلابیون و کمونیست‌های خلق کرد ادامه دارد.

اما این اعدام‌ها زمانی صورت میگیرد که مقاومت در کردستان از شهرها به کوه‌ها کشانده شده و در روز ستاها ادا می‌دارد.

این اعدام‌ها در زمانی صورت میگیرد که خیابان‌های سنندج در دست ارتش اما کوچه‌ها در دست مردم است.

این اعدام‌ها در زمانی صورت میگیرد که مقاومت مردم سنندج و دیگر نقاط کردستان هر روز بیشتر

نمیکنند. و یکی یکی آنها را به جوخه اعدام می‌برند!

در اولین روز و در شب شهر ارتشیان یک دختر را در یک کوچه به گلوله بستند و چند روز بعد شهسوار را به اسامی نصرالدین قدسی معلم اهل کامیاران و مستوره شهسوار اهل سقز را به جوخه اعدام سپردند. هنوز چند روز از تیرباران این فرزندان دلیر خلق نگذشته بود که ۳۰ زننده دلیر دیگر خلق کرد در یک گروهی به نام ارتش به نام جبار داداشی زاده اهل سنندج یک دختر دانش‌آموز ۱۶ ساله به نام رویا علی پناه، اهل سنندج و یک جوان به نام نادر فرنگر اهل

با ردیگر خیابانهای شهر سنندج شهر مقاومت قهرمانان به دست ارتش و پاسداران افتاد، با ردیگر ارتش و پاسداران چون ارتش‌های اشغالگر شهر سنندج را اشغال کردند و اعدا کمونیست‌ها و انقلابیون مبارز آغاز شده است. آنها که در زمان حضور پیشمرگه‌ها در شهر حتی قدمی از موضع خود پیشروی نکردند و هر جایی را هم که می‌گرفتند، چند روز بعد می‌جور میشدند تخلیه کنند، اکنون که قهرمانان و دلاوران خلق کرد و فرزندان دلیر کردستان را از گوشه و کنار رویا کمک‌هاش دستگیر میکنند از هیچ جنبیتی در قبال آنان کوتاهی

## پنجشنبه‌ها تعطیل است!

مدیریت کارخانه همراه با تعدادی از کارگران ناآگاه به پشتیبانی از مصلحتی درآمده و موجب بروز درگیری‌های لفظی میگردد.

پس از این جریان کارگران خود پنج‌شنبه‌ها تعطیل اعلام نموده و از آمدن به کارخانه در این روزها خودداری کرده‌اند.

این عمل خشم کارگران را برافروخته و تعدادی از آنان پس از اطلاع یافتن از موضوع با دادن شعار "مرگ بر مصلحتی" و "سرما به دارنا بود است، کارگر بی‌روز است" بیست‌کار گزینی برای می‌افتند. این حرکت مورد تأیید و حمایت اکثریت کارگران قرار میگیرد. اما تعدادی از عوامل

تا مین حق ۴۰ ساعت کار در هفته و تعطیل پنج‌شنبه‌ها یکی از نتایج مبارزات کارگران است اما مصلحتی مدیریت دولتی کارخانه ایران ناسیونال همواره به دنبال فرصت برای زیر پا گذاشتن این دستاورد بوده و عاقبت با اعلامیه‌ای در تاریخ ۲۶/۳/۵۹ تعطیل پنج‌شنبه را در کارخانه لغو نمیداند.

بقیه

# اخبار

# کارگری

بقیه از صفحه ۳ پایتیه ...

نیشینی به جلوس برداشت (در دادگاه) سازمان چریکها تا کید کرد که از این موضع بنی مدر استقبالی میکند) به خوبی معلوم میگردد که سازمان چریکها وقتی از صلح صحبت میکنند منظورش چیست.

سازمان چریکها برای برقراری صلح به دنبال عنا صر صلح طلب در هیات حاکمه میگردد و از محافل جنگ افروز و صلح طلب در هیات حاکمه سخن میگوید. بنی صدر، بطور عوا مفریبا - نه و بعد از آنکه نتوانست در مسد کوتاهی در جنگ کردستان پیروزند و مبارزات خلق کرد را سرکوب کند بک قدیم عقب نشینی کرده و چنین وانمود میکند که خواهان صلح در کردستان است و اما سایر گروهها و مانهای سیاسی خلق کرده اند که با جنگ افروزی جنگ را بر او تحمیل کرده اند و اکنون سازمان چریکها به کمک بنی صدر آمده و او را در فریب مردم یاری میدهد اما اگر سازمان چریکها فرا موش کرده باشد مگر خلق کرد و سایر خلقهای آگاه ایران فرا موش خواهند کرد که جنگ دقیقاً با فرمان های بنی صدر به عنوان فرمانده کل قوا صورت گرفت اگر سازمان چریکها فرا موش کرده مگر خلق کرد فرا موش خواهد کرد که بمبارانهای شهرسندج دقیقاً تحت فرمان ندهی خود بنی صدر صورت میگرفت؟ اگر سازمان چریکها فرا موش کرده مگر خلق کرد فرا موش خواهد کرد که بنی صدر گفته "خانه به خانه خواهیم کوبید؟" نه سازمان چریکها هم فرا موش نکرده "که در صلح جویی فقط یک اشتباه کوچک مرتکب شده و صلح را از بالا - شپها از بنی صدرو فروراهز کسانی که خودشان جنگ کردستان را به راه انداخته اند خواستار صلح در کردستان بایده بوجود آید اما چگونه؟ در تابستان ۵۸ هیات حاکمه به کردستان لشکرهایک بیورش غافلگیرا -

نه شهرهای کردستان را تسخیر کرد اما جنبش مقا و متخلق کرد در اوایل تابستان و اوائل پاییز در شهرها و کوهها و آشکار شدن شکست رژیم و عدم توانایی اش در مقابل به صلح مقاومت یکپارچه خلق کرد و راه به عقب نشینی وادار کرده و هیات حاکمه مجبور شد که تقاضای صلح و مذاکره کند و سازمانهای سیاسی خلق کرد و در ایران آن سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) آنرا پذیرفتند و عموماً در کردستان صلح برقرار بود.

بعد از آن حدود یک ماه پیش هیات حاکمه و در ایران بنی صدر به کردستان لشکر کشیدند و شهرهای کردستان را درها با روخیا نه تر از حملات قبلی به خاک و خون کشیدند اما با زهم با مقاومت جانبا زانسه خلق کرد و سازمانهای سیاسی کردستان رو بر او شدند و تا خالی شدن شهرها از پیشمرگان قهرمان نتوانستند آنرا تسخیر کنند اکنون نیز مقاومت خلق کرد در بیرون از شهرها ادامه دارد و در چنین حالتی بنی صدر از صلح دم میزند در حالی که فرا موش نمیکند از "قاطعیت" هم سخن بگوید.

اگر بنی صدر اکنون خود را صلح طلب نشان میدهد نه برای آنست که خواهان برقراری صلح در کردستان است بلکه با محاسبات خود برتری حفظ منافع حکومت و قدرت دولت تشدید جنگ را در حال حاضر به نفع هیات حاکمه نمیداند.

میبینیم در هر دو حال این مقاومت جانبا زان خلق کرد بود که هیات حاکمه را وادار به صلح و مذاکره کرده و نه صلح طلبی محافلی از هیات حاکمه بنی صدرو فروراهز که سازمان چریکها در حال حاضر از آن دم میزند.

سازمان چریکها با تقاضای صلح از هیات حاکمه در واقع مقاومت جانبا زان خلق کرد را به هیچ گرفته و از دشمنان خلق کرد تقاضای صلح

میکند و با دادن بیانییه مشترک با نیروی سازشکار منطقه یعنی حزب دموکرات در واقع اولین قدمها را برای پشت کردن به مبارزات قهرمانان خلق کرد بر میدارد.

خلق کرد سازمانهای کمونیستی و در ایران آن سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه له) هم خواهان صلحند اما به چه قیمتی و چگونه؟ آیا صلح با قبول استقرار یا سداران و ارتشها قبول با زپس گرفتن هم گونه آزادیهایی خلق کرد، میتواند مطلوب خلق کرد باشد و یا هیات حاکمه جز با این شرایط حاضر است به صلح تن دهد؟ تقاضای صلح از هیات حاکمه به معنای عقب کشیدن مبارزه خلق کرد و سعی در سازش بین خلق کرد و دشمنان خلق کرد و خلقهای سراسر ایران است.

صلح در کردستان تنها با مقاومت هر چه بیشتر خلق کرد و سازمانهای سیاسی آن در مقابل آنها جسارت هیات حاکمه میتواند برقرار گردد و دیدیم که چنین هم شد خلق کرد نیز خود این را تجربه کرده است.

رشد هر چه بیشتر مبارزات خلق کرد، و مقاومت دلیرانه آنها هر روز بیشتر نشان میدهد که در تداوم مبارزه و در نهایت تنها میتوان در یکی از دو جنبه جنگید یا در کنار کارگران و زحمتکشان و یا در کنار دشمنان زحمتکشان و سازمان چریکها با بیانییه مشترک خود با حزب دموکرات و در کنار دیگر مواضع سازشکارانه اش قدمهای بلندی در جهت هر چه بیشتر دور شدن از منافع کارگران و زحمتکشان و پیوستن به دشمنان کارگران و زحمتکشان بر میدارد.

اما مبارزه در کردستان ادامه دارد. خلق قهرمان کرد در کنار نیروهای کمونیست منطقه جانبا زان به مقاومت خود ادامه میدهد و در مقابل ارتش و یا سداران مبارزه میکنند.

شهرسندج علی رغم تمامی رعب و وحشتهایی که ارتش و یا سداران ایجاد میکنند یکپارچه مقاومت است و مبارزه در آن جریان دارد. ارتش و یا سداران خیابانهای شهر را اشغال کرده اند اما هیچگاه نتوانستند مردم را به یوغ خود بکشانند. جاده ها در تسخیر پیشمرگه های قهرمان کرد است و حمل و نقل های ارتش با ترس و وحشت بسیار صورت میگیرد.

روستاها جایگاه پیشمرگه ها و مبارزان است و روستائیان آن را با آغوش باز میپذیرند، و پیشمرگه ها قهرمان کومله در میان آنان بسه کار آگاه و گرانمای آموزش سیاسی مشغول مبارزه در کردستان جریان دارد و رشد مبارزات خلق کرد و کارگاه گران و پیشگیر نیروهای کمونیست منطقه در کنار رشد مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر ایران و کارکنان های کمونیست سراسر ایران، نیروهای سازشکار را هر چه سریعتر از صفوف کارگران و زحمتکشان خواهند راند و مبارزات کارگران و زحمتکشان را تا حاکمیت خود آنان به سرانجام خواهد رسانند.

بد نیست که این مساله را از زبان خود بنی صدر که این روزها بطاعت ترس از اوج گیری نارها بیتی تودهها و برای جلوگیری از "خودسری های حزب جمهوری اسلامی" دانشا به حزب جمهوری اسلامی حمله کرده و در این راه دست او را "رو" میکند، بشنویم که در باره مذاکرات کردستان گفته است: "در این فرصت میخواهم از رفتار هیات ندهی ستایش کنم که مقابل به مثل نکرده که بیاید به مردم بگوید ما در چه وضعی قرار داریم که شما در شکست کامل قرار گرفته بودید که ما را روانه کردستان کردید اگر هیات ندهی نیز میخواست حرف بزنند، خیلی چیزها رومیشد که مصلحت کشور نبود" (مما حبه بنی صدرا روزنامه اطلاعات شنبه ۲۰ خرداد)

بقیه از صفحه ۴

موج توفنده ...

نمستند جلوی در آما نسور تا اینکه شهردار آمد. اول آمد با زبان چرب و ترش منق کرده و ما را روانه خانه هایمان کند. اما قبل از اینکه شهردار حرفی بزند یکی از بچه ها گفت آقای شهردار تا جواب قطعی به خواسته هایمان ندهی اینجا را ترک نخواهیم کرد بعد شهردار شروع

به صحبت کرد و گفت قرار است شهرکی برای شما با رژیم در ۳۰ کیلومتری ساوه با تسامات مدرن و مستحکم یکی از زنها گفت تا آن موقع اطلاعاتی یک هفته دیگر به ما تضمین نمیدهی که اگر خود و فرزندتانمان زیر آوارمان نند جواب بدهی؟ دیگری گفت دروغ نکو آقای شهردار مگر شما نبودید که چهار ماه پیش آمدید به آن منطقه و ما جلوی پای شما گوسفند کشتیم و شما به ما قول دادید جدا کشر

تا یکسال دیگر ما را به یک منطقه خوب ببرید. پس چند شهردار گفت من هیچ قولی نداده ام مردم منفجر شدند هکنی با هم فریاد میزدند و میگفتند شما به فکر سرما به دارها به فکر پولدارها هستید نه به فکر ما فقیر فقرا شهردار به وحشت افتاده بود و خود است برود ولی ما دور او را گرفتیم بودیم یکی از مردها گفت اگر به کار ما رسیدگی نکنی فردا تمام اهالی گود را به اینجا میآوریم اما محافظان

و نوکران جیره خوار شهردار در ورش خلقه زند و به زور او را از محاصره زنان و مردان شیردل گود دروازه غار بیرون آوردند و بطرف آما نسور بردند شهردار به داخل آما نسور رفت و در بسته شد!

ما هم با آنهمه زن و مروجی های کوچک خسته و کوفته و گرسنه ساعت ۲/۵ از پله های ۱۸ طبقه پائین آمدیم و به طرف آلتونک خود برآه! فتادیم حالا چطور و با چه حالی خدا میداند!

برقرار باد چه وری دمکراتیک خلق!





# چماق و زندان راه حل حکومت برای رفع بیکاری!

درست در زمانی که بی‌بیکاری هر روز و هر ساعت در نطق‌ها و مصاحبه‌ها پیش آمده است، می‌کنند که حکومت ما قدم‌های مثبتی برای مردم برداشته و از جمله مشکل بیکاری را تا حدود زیادی حل کرده است، در گوشه و کنار مملکت - اتفاقاتی می‌افتد که مردم را بیشتر با این راه‌حل‌های شگفت‌انگیز رئیس‌جمهور آشنا می‌کند. از جمله روز ۱۷ خرداد در خا لیکه حدود ۲۰۰ نفر از کارگران اخراجی ۵۰ تا ۱۵۷ نفر از کارگران در جلوی کارخانه اجتماع کرده بودند تا به وضعیتشان رسیدگی شود، ناگهان سرور کله "راه‌حل‌های" کردن کلفت رئیس‌جمهور برای آرمیان بودن مشکل بیکاری ایجاد می‌شود. و سلاح‌های آمریکایی کارگران بیکار را محاصره می‌کند. با ساداران مسلح ایستاد می‌کوشند تا تیراندازی هوایی و ایجاد رعب و وحشت کارگران بیکار را متفرق کنند. اما کارگران که از این عمل وحشیانه عصبانی شده بودند شروع به شکستن شیشه‌های مقابل خیابان می‌کنند و بر علیه این قلدری‌های با ساداران شعار میدهند. این با ساداران با تحریک بعضی از کارگران ناآگاه کارخانه عده‌ای از آنها را با چماق و سنگ بجای کارگران بیکار می‌اندازند که منجر به زخمی شدن عنبر از کارگران شاغل و چند نفر از کارگران بیکار و دستگیری ۵۰ نفر از آنها می‌گردد.

اینک برای رفع مشکل بیکاری به شیوه‌ی صدر ۲۰ نفر از کارگران بیکار را به زندان اوین اعزام کرده‌اند!

نزدیک به ۹ ماه است که میان کارگران و شورای کارگری کارخانه بنزخا ورو هیئت مدیره دولتی کارخانه مبارزه و درگیری جریان دارد. ۹ ماه است که کارگران در چندین مجمع عمومی شدیداً به مدیریت فعلی و "حقیقت" مدیر دولتی اعتراض کرده و خواهان محاکمه آنها هستند و در تمام این مدت هیئت مدیره در فکر بازگرداندن روسای خائن گذشته کارخانه بودند. کارگران میخواهند مدیران فعلی هم محاکمه شوند، هیئت مدیره دولتی میخواهد عناصری مثل دهقانی را که توسط شورا اخراج شده به سرکار برگرداند و موازی سایر کلان به آنها بپردازد.

اما شورا در مقابل هیئت مدیره دولتی کارخانه مقاومت می‌کند و کارگران قاطعانه از آن حمایت می‌کنند. در این مدت کارگران شدیداً پشت شورا را داشته‌اند و در مقابل دسیسه‌های کارفرمایان و دولت مقاومت کرده‌اند. دولت با رها نمایندگانی از دادگاه انقلاب، صنایع و معادن، وزارت بازرگانی و وزارت کار به کارخانه فرستاده تا از نزدیک ببینند تا چه حد امکان‌ناخالصی کردن زیر پای شورا و پیاپی کردن نقشه‌های خودشان را دارند، ولی هر بار با جملات و مقاومت مبارزه یکبار چه کارگران رو برو شده‌اند. آخرین بار مسئولین دولتی وقتی جوبلسه و روحیه کارگران را درست در مقابل مقامشوم و سرمایه‌دارانه خود دیدند، جلسه را ترک کرده و گفتند که در مورد مسائل و مشکلات طرفین یک

# شورای بنزخاور: پیشنهاد دهند به ناظر!

هفته دیگر جواب میدهم. اما یک هفته، یک ماه شد و در این مدت جوابی از دولت نرسید. در این فاصله دولت از بنزخا، کارگران ناآگاه و کارمندان خود فروخته را به دفتر مرکزی برد و از آنها علیه شورا امضاء گرفت. ناآگاهان شورا را به دادگاه انقلاب برد و از آنها جدا با زجوبی کرده تا به خیال خود شرفهمد شورا در دست کیست؟ و...

روز چهارم در زمین زعمای قوم و رجال دولتی وارد کارخانه شدند تا کارگران را از حکم ناآگاهانه خود دنیا خیر کنند. ابتدا کلی از حقیقت خائن تعریف و تمجید کرده و او را مبارزه قلندار کردند و بعد گفتند که شورا فقط بعنوان پیشنهاد دهنده حق کار دارد!

کارگران که مدت‌ها علیه حقیقت خائن مبارزه کرده و خواستار اخراج و محاکمه و توقیت شورای خود بودند در مقابل این حکم خائنانه دیگر نتوانستند طاقت بیاورند.

بلافاصله نما بنده شورا شروع به صحبت کرد و گفت ما خیلی متأسفیم که دادگاه انقلاب چنین تصمیمی گرفته ما نه تنها خواهان برکناری حقیقت بلکه خواهان محاکمه او بودیم اما شما به جای همه این کارها از او تعریف کرده و به او پست‌های دیگر داده و تازه شورا را هم عملاً بی‌فایده و منحل می‌کنید...

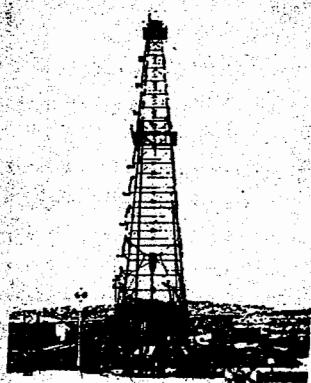
خشم کارگران، بالا گرفته بود هر کس از گوشه‌ای علیه اینهمه بی‌شرمی و وقاحت دولت اعتراض میکرد:

کارگران فریاد می‌زدند: ما دادگاهی را که این چنین عمل کند محکوم می‌کنیم و در آن را گل خواهیم گرفت. ناگفته نماند که شهادت دادیم و شهادت گرفت خورها به وزارت و سفارت نشسته اند و اکنون ما را محکوم می‌کنند. دیگر آرزوهای چنین کارهایی را به شما نخواهیم داد. مجمع عمومی صحنه رودرویی پروتاریای قهرمان و سرمایه‌داران و حامیان بزذل و تریبوی آنها گشت. کارگران بنزخاور می‌خروشیدند و ما موران دولتی را ه فراری می‌جستند. اما کارگران از آنها جواب میخواستند. تا اینکه بعد از ۲ ساعت که از پایان کار و آغاز جلسه گذشته بود کارگران تصمیم گرفتند با دنبال کردن خواست محاکمه علنی و فوری حقیقت توسط دادگاه جلسه را تعطیل کنند و یکبار چه متحد شدند که از حق نظارت و دخالت در کارها برای شورا ایشان حمایت کنند! درود بر کارگران مبارزو رزمنده بنزخاور!

بکنیم، چون به تخصصان نیاز داریم. هم و اگر این کارگران را اخراج کنیم ممکن است چندین چاه بخوابد! خلاصه نما بنده دادستان ترجیح

# دولت سرمایه‌دار موقتاً عقب نشینی میکند!

شورا تهدید به اخراج می‌شود و نما بنده دادستانی اعلام می‌تند که "شماها کمونیست هستید و ما میتوانیم همان بلایی را که بر سر اخراجی‌های صنایع فولاد آوردیم بر سر شما هم بیاوریم!" نما بنده دادستانی در شرکت نفت وسط حرف نماینده دادستان اهاوز می‌برد و میگوید "ولی ما نمیتوانیم همینکار را در مورد اینها



میدهد. فعلاً چند چاه براه باندستار نما بنده شورای کارگران اخراج گردد و بدین ترتیب حمایت کارگران از شورا و انبساط ز فوری سرمایه‌داران به تخصیص کارگران نمایندگان شورا و خود شورا را برای مدتی نجات میدهد.

# موج تفتیش عقاید دامن معلمین مدارس را هم می گیرد.

اطلاعیه‌ی بشت اطلاعیه‌ها در کرده است که بحث‌های درون مدرسه ممنوع، تبلیغات در مدارس ممنوع، معلمان انقلابی و کمونیست با ایدئولوژی گروند، شوراها تعطیل، امروزه به یک حیلۀ یعنی تهیه پرسشنامه برای تفتیش عقاید معلمان دست زده است. اما همچنانکه در بسیاری از کارخانه‌ها نتوانستند شوراها را تعطیل کنند، در ارتش نتوانسته‌اند پرسنل انقلابی را از فعالیت بازدارند. در کردستان نتوانسته پیروز شود، در دانشگاه نتوانسته جلومبارزات دانشجویان را بگیرد، در مدارس نیز

گذرانند یا تفتیش عقاید از این دقیقتر هم وجود دارد؟ رژیم جمهوری اسلامی که از بدو روی کار آمدنش با موج مبارزات انقلابی توده‌ها، در کارخانه، در دانشگاه، در کردستان و در کردستان و بیسار جاهای دیگر روبرو بوده است از همان ابتدا از هیچ کوششی برای جلوگیری از مبارزات

آموزش و پرورش به این اکتفا نکرده و همواره بعد از گرفتن ایستادن پرسشنامه‌ها به‌طور شفاهی هم از معلمین سؤال میکنند، در ایستادن سؤال و جواب‌های شفاهی مسائل دقیق تری نیز مطرح می‌گردد؛ مثلاً از دانش‌آموزان می‌خواهند نظرشان را در مورد فلان سازمان سیاسی

این روزها در کنار دهها فرم که برای تفتیش عقاید تحت عنوان کاربایی، دادن گوشت و غیره به مردم داده می‌شود، پرسشنامه‌های هم برای معلمین حق‌التدریسی چاپ شده است. وزارت آموزش و پرورش به منظور انتخاب افراد و چهره‌های لایق و شایسته و موافق به انقلاب پرسشنامه‌های ۱۵ صفحه‌ای چاپ کرده و در آن از معلمین خواسته است که در "کمال صداقت و دقت" به سؤالات پاسخ دهند، نگاه‌های کوتاه به سؤالات پرسشنامه‌ها نشان می‌دهد که منظور آقایان از تهیه پرسشنامه چیست و در آن دنبال چه چیزی می‌گردند، پرسشنامه بعد از طرح یکسری سؤالات کلی، سؤالات اساسی خود را طرح می‌کند:

"نظر شما ضد انقلاب چیست؟"

"آیا اکنون سیر منطقی در مطالعات دارید؟ سیر مطالعه خود را ذکر کنید؟"

"مشخصات دوفرهنگ‌زیم‌سرا بطور مشروح بیان کنید، فرهنگ استعماری و فرهنگ انقلابی، بر داشت شما از بسیج ارتش ۲۰ میلیونی چیست؟"

"آیا معتقد به تبلیغات سیاسی گروه‌ها و سازمان‌های مختلف در سطح مدارس هستید یا خیر به چه دلیل؟"

## چند نمونه از سؤالات پرسشنامه

به سؤالات زیر پاسخ دهید.
■ آیا معتقد به تبلیغات سیاسی گروه‌ها و سازمان‌های مختلف در سطح مدارس هستید یا خیر چون نهی؟
■ نحوه برخورد و موضع‌گیری یک معلم در برابر خطوط فکری مخالف خود چگونه باید باشد؟
■ در رابطه با انقلاب فرهنگی کنونی آیا حاضرید در برنامه‌های تابستانی معلمان و دانش‌آموزان همکاری نمائید؟ برای این همکاری برای چه مدت حاضر به همکاری هستید؟
■ آیا اکنون سیر منطقی در مطالعات داشته‌اید، در این صورت سیر مزبور را ذکر کنید.
■ نظر شما ضد انقلاب چیست؟ و عملکرد آن در آموزش و پرورش در سطح جامعه چیست؟ و برای مبارزه با آن چه راهی پیشنهاد می‌نمائید (کامل توضیح دهید).

نخواهد نتوانست مبارزه دانش‌آموزان و معلمان انقلابی و مبارزان را خاموش سازد. بحث با تبلیغ و تدریس در مدارس ادامه خواهد یافت و دانش‌آموزان و معلمان انقلابی غیر غم حیلۀ‌های رژیم به مبارزات خود تاسرحدرهایی خلق ادامه خواهند داد. ■

رزات بوده‌ها خود، ری نکرده و در این راه از جماع و شیرینی، از سرکوب و فریب‌هرد و سودجست است، در بعضی کارخانه‌ها شوراها را تعطیل کرده، در دانشگاه‌ها دفاتر گروه‌های دانشجویی را بسته است و دانشکده‌ها را تعطیل نموده است، در کردستان شهرها را بمباران کرده و در مدارس

بگویند، بخشی از قرآن را از حفظ بخوانند، در مورد اعدام فلان انقلابی نظر بدهند و یا بگویند از نظر آنها در کردستان چه خبر است و چه کسی با چه کسی می‌جنگد؟ آیا از این دقیقتر می‌توان معلمان را از فاضی "عقاید اسلامی"

سؤالات دقیقاً طوری تنظیم شده اند که هر کسی که بخواد استخدام شود و یا "مذاقت" هم رفتار کند باید تمامی افکار و عقاید خود را در مورد مسائل مختلف جامعه در اختیار وزارت خانه بگذارد. ولی مسئولین

# تبغ حاکم شرع بر فراز سر جوانان مبارز شهر!

طبق مدارک جدید این شش نفر گناهار اصلی نیستند و حکم اعدام درباره آنها صادق نیست اما وقتی این نامه را به شورای عالی قضایی قم بردیم گفتند "کلهر" غلط کرده هر چه زودتر احکام را اجرا کنید! اکنون وضع این شش نفر در ابهام است و هر لحظه ممکن است آنها را جلوی خواجه اعدام ببرند. ■

تخفیف کند و در ضمن از مردم خواست جمع نکنند که حرام است! خانواده زندانیان به قم رفتند و فردای آن روز برای اعلام نتیجه مردم دوباره در مسجد جمع شدند یکی از افراد خانواده‌های زندانیان در مورد مسافرتشان چنین گفت: اول به بیروجرد رفتم و با هزار مکاره فات از دست "کلهر" نامه‌ای بیرون آوردیم در این نامه نوشته شده بود که

اده‌های زندانیان همه "از نس" رفته و شیخ مادی نماینده حزب جمهوری اسلامی شهرهای "از نس" و "درو" را که در انتخاب شدنش هم جای حرف زیاد دارد به درود آوردند. در حدود ساعت ۴ بعد از ظهر در حالی که مسجد ملوای جمعیت بود نماینده مزبور تحت فشار مردم اعلام کرد که حاضر است همراه خانواده زندانیان به قم برود و تقاضای یک درجه

بدنیال رسیدن خیری مبنی بر اجرای حکم اعدام شش نفر از فرزندان مبارز شهر درود که در جریان اخیر درود دستگیر شده اند و در زندان بیروجرد بسر می‌بردند و سه تن به ۳ اردیبهشت اوضاع شهر متشنج شد. دانش‌آموزان و معلمین به اتفاق خانواده زندانیان در مسجد جمع شدند و از بلندگوی شهر تقاضای پشتیبانی کردند. چند نفر از خانواده

# سرکوب نیروهای انقلابی خدمت به امپریالیسم است!